گلچین ضرب المثل های ایتالیایی، هلندی و دانمارکی

گزینش و ترجمه: مهدی احمدی



شناسنامهٔ کتاب



نام کتاب: گلچین ضرب‌المثل‌های ایتالیایی، هلندی و دانمارکی

گزینش و ترجمه: مهدی احمدی (ـ ۱۳۶۰)

این کتاب گلچینی است از بخش‌های ایتالیایی، هلندی و دانمارکی کتابِ

A Polyglot of Foreign Proverbs, Comprising French, Italian, German, Dutch, Spanish, Portuguese, and Danish, with EnglishTranslations and a General Index
By Henry G. Bohn
London: Henry G. Bohn, 1842.

تاریخ نشر: آبان ۱۴۰۲

sherhayeoonjoori@gmail.com

beytolqazal.blogfa.com

فهرست

مقدمه	۲
ایتالیایی	۳
هلندی	۷۱
دانمارکی	۱۱۱

مقدمه

این کتاب مجموعه‌ای از ۱۲۰۰ ضرب‌المثل است: ۵۴۰ ایتالیایی، ۳۳۰ هلندی و ۳۳۰ دانمارکی؛ همراه با ترجمه‌های انگلیسی و فارسی آن‌ها. مترجم انگلیسی آن‌ها هنری جی. بون Henry G. Bohn است و من متن انگلیسی را به فارسی برگردانده‌ام. هنگام ترجمه بنا را بر این گذاشتم که در عین رعایت وفاداری، تا آن‌جا که در توانم هست، ترجمهٔ ادبی زیبایی ارائه دهم. همهٔ ضرب‌المثل‌های این کتاب به صورت منظوم ترجمه شده‌اند تا از این نظر به ضرب‌المثل‌های فارسی که بسیاری از آن‌ها یا مصرع و بیتی از یک شعر هستند یا وزن یک مصرع را دارند شبیه شوند و ای بسا که به دل فارسی‌زبانی بنشینند.

پیش از این در زمینهٔ ضرب‌المثل‌های اروپایی پنج کتاب با نام‌های *فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های اسکاتلندی*، *ضرب‌المثل‌های طنز انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های طنز اروپایی*، *گلچین ضرب‌المثل‌های فرانسوی*، *گلچین ضرب‌المثل‌های آلمانی* و *گلچین ضرب‌المثل‌های اسپانیولی و پرتغالی* منتشر کرده‌ام. کتاب حاضر ششمین و آخرین کتاب از این مجموعه است.

مهدی احمدی

۱ آبان ۱۴۰۲ ـ قم

ایتالیایی

A buon intenditor poche parole.
A word to the wise is enough.

برای عاقلان یک واژه کافی است.

A cader va chi troppo in alto sale.
He who climbs too high is near a fall.

او که خیلی زیاد کرده صعود
قسمتش یک سقوط خواهد بود.

A cattiva vacca Dio dà corte corna.
God gives a curst cow short horns.

ماده‌گاو سرکش و بدذات را
شاخ‌های کوتهی بخشد خدا.

A cattivo cane corto legame.
A mischievous dog must be tied short.

بند آن سگ را که تخس و موذی است
اندکی کوتاه‌تر باید که بست.

A causa perduta, parole assai.
Plenty of words when the cause is lost.

یک‌عالمه حرف بر زبانت جاری است
وقتی سبب زر زدنت روشن نیست.

A caval magro vanno le mosche.
Flies flock to the lean horse.

چو اسبی لاغر و زار و نزار است
مگس گرد سر او بی‌شمار است.

Accenna al savio e lascia far a lui.
Give the wise man a hint and leave him to act.

به عاقل فقط یک اشاره کن و
رها کن که کار خودش را کند.

Accostati a' buoni e sarai uno di essi.
Associate with the good and you will be one of them.

به نیکان بپیوند و نیکو بشو.

A chi fa male, mai mancano scuse.
The wrong-doer never lacks excuses.

یک آدم مجرم خطاکار
کمبود بهانه‌ای ندارد.

A chi ha testa, non manca cappello.
He who has a head won't want for a hat.

مردی که سری دارد محتاج کلاهی نیست.

A chi la riesce bene, è tenuto per savio.
He who succeeds is reputed wise.

هر کسی پیروزی‌ای آرد به دست
شهرهٔ آفاق گردد عاقل است.

A chi parla poco, gli basta la metà del cervello.
Half a brain is enough for him who says little.

بهر او که آدم کم‌حرفی است
نیمی از یک مغز چیزی کافی است.

A chi piace il bere, parla sempre di vino.
He who likes drinking is always talking of wine.

هر کسی عاشق و دلدادهٔ مشروب‌خوری است
بر زبانش به‌جز از صحبت مِی چیزی نیست.

A chi veglia tutto si rivela.
To him who watches, everything reveals itself.

بهر مردی که تماشا می‌کند
خویش را هر چیزی افشا می‌کند.

A chi vuole, non è cosa difficile.
Nothing is difficult to a willing mind.

برای آدم کوشا و مشتاق
نباشد هیچ چیزی مشکل و شاق.

A chi vuole, non mancano modi.

Where there's a will there's a way.

هر جا که اراده‌ای است، راهی است.

A chi vuol fare, non manca che fare.

To him who is determined it remains only to act.

برای فرد مصمم فقط عمل باقی است.

A colomba pasciuta la vescia par amara.

Vetches seem bitter to the full-cropped pigeon.

کفتری سیر اگر باشد، ماش
چیز بدمزه و تلخی است براش.

Acqua cheta vermini mena.

Still water breeds vermin.

هر آب راکدی حشره پرورش دهد.

Acqua, fumo, e mala femmina, cacciano la gente di casa.

Water, smoke, and a vicious woman, drive men out of the house.

آب و دود و یک زن بدجنس و گند
مرد را از خانه بیرون می‌کنند.

Acqua lontana non spegne fuoco vicino.

Water afar does not quench a fire at hand.

آب دور آتش نزدیکی را
نتواند که فرو بنشاند.

Acqua torbida non fa specchio.

Muddy water won't do for a mirror.

یک آب گل‌آلوده آیینه نخواهد شد.

Acqua torbida non lava.

Dirty water does not wash clean.

آن آب که آلوده‌ست پاکیزه نمی‌شوید.

Acquista buona fama e mettiti à dormire.

Get a good name and go to sleep.

نام نیکویی به دست آر و بخواب.

A cuor vile forza non giova.
Strength avails not a coward.

قدرت به کار آدم ترسو نمی‌خورد.

Ad arca aperta il giusto pecca.
At an open chest the righteous sins.

در صندوق اگر باشد باز
فرد صالح به گنه می‌افتد.

Ad dono nuovo non convien grazia vecchia.
Old thanks are not for new gifts.

تشکرهای کهنه هیچ موقع
برای هدیه‌های نو نباشند.

Ad ogni uccello suo nido par bello.
Every bird thinks its own nest beautiful.

آشیان هر پرنده در نگاهش دلکش است.

Ad ogni volpe piace il pollaio.
Every fox likes a henroost.

هر روبهی دلدادهٔ یک مرغدانی می‌شود.

Ad un cieco mal può mostrarsi il cammino.
It is not easy to show the way to a blind man.

ره نشان کور دادن ساده نیست.

Ad un uomo dabbene avanza la metà del cervello; ad un tristo non basta neanche tutto.
For an honest man half his wits are enough; the whole is too little for a knave.

بهر انسان شرافتمندی
نیمی از عقل طرف هم کافی است
بهر موجود پدرسوخته‌ای
همهٔ عقل طرف کافی نیست.

A gatta che lecca spiedo non fidar arrosto.
A cat that licks the spit is not to be trusted with roast meat.

گربه‌ای را که سیخ می‌لیسد
در کنار کباب نگذارید.

A giovane cuor tutto è giuoco.

To a young heart everything is sport.

برای قلب جوان هرچه هست یک بازی است.

A gran salita gran discesa.

The higher the rise the greater the fall.

هر کسی بیش‌تر رود بالا

می‌کند یک سقوط واویلا.

Ai mali estremi, estremi rimedi.

For extreme ills extreme remedies.

بهر درمان مریضی‌های حاد

دل به درمانی خشن باید نهاد.

A la barba de' pazzi il barbier impara a radere.

On a fool's beard the barber learns to shave.

مرد سلمانی سر اصلاح ریش یک مشنگ

یاد می‌گیرد چگونه ریش باید زد قشنگ.

Albero spesso trapiantato mai di frutti è caricato.

A tree transplanted is never loaded with fruit.

آن درختی که جابه‌جا بشود

مطلقاً میوه‌ای نخواهد داد.

Al bugiardo non si crede la verità.

The liar is not believed when he speaks the truth.

هر زمانی دروغگو شد مرد

سخن راست هم که می‌گوید

هیچ‌کس باورش نخواهد کرد.

Al confessore, medico, e avvocato, non tenere il ver celato.

Hide not the truth from your confessor, your doctor, or your lawyer.

از کشیش و از پزشک و از وکیل خویشتن

هیچ چیزی را نباید کرد پنهان مطلقاً.

Al fin del giuoco si vede chi guadagna.
At the end of the game we see who wins.

این که کی برده است بازی را
آخر بازی آشکار شود.

Al ladro fa paura anche un sorcio.
The thief is frightened even by a mouse.

دزد از یک موش هم وحشت کند.

Alla fama si va per varie strade.
Various are the roads to fame.

آدم از راه‌های گوناگون
می‌تواند به شهرتی برسد.

Alla pace si può sacrificar tutto.
Anything for a quiet life.

همه‌چیزی فدای زندگی‌ای
باصفا و قرین آرامش.

Alla porta chiusa il diavolo volge le spalle.
The devil turns away from a closed door.

چون که ابلیس ببیند که دری
روی او بسته شده برگردد.

Alle belle donno le più volte toccano i brutti uomini.
Handsome women generally fall to the lot of ugly men.

غالباً زن‌های زیبای لوند
قسمت مردان زشتی می‌شوند.

Alle volte più vale la feccia che il vino.
Sometimes the lees are better than the wine.

گاهگاهی دُرد از باده سر است.

Alle volte si dà un uovo per un bue.
Sometimes an egg is given for an ox.

گاه فردی تخم‌مرغی می‌دهد
تا بگیرد در عوض گاو نری.

All'orsa paiono belli i suoi orsatti.
The she-bear thinks her cubs pretty.

در خیال خرس ماده توله‌هایش خوشگل‌اند.

Al lume di lucerna ogni rustica par bella.
By lamplight every country wench seems handsome.

در پرتو روشنایی یک فانوس
هر دخترک دهاتی‌ای زیباروست.

Altra cosa è il dire, altra il fare.
Saying is one thing, doing another.

سخن چیزی، عمل چیزی است دیگر.

Al villano, se gli porgi il dito, ei prende la mano.
Give a clown your finger, he'll grasp your fist.

تو انگشتی به یک دلقک بده تا
بگیرد توی مشت خود مچت را.

Ama l'amico tuo col vizio suo.
Love your friend with his faults.

دوستت را با عیوبش دوست دار.

Amante non sia che coraggio non ha.
Let him not be a lover who has not courage.

بهل تا عاشق آن یارو نباشد
چنانچه جرئتی در او نباشد.

Amato non sarai, se à te solo penserai.
You will not be loved if you think of yourself alone.

گر تو تنها به خود بیندیشی
دیگران دوستت نمی‌دارند.

Amicizia riconciliata piaga mal saldata.
Reconciled friendship is a wound ill salved.

دوست وقتی بعد قهرش می‌نماید آشتی
هست زخمی که ضمادی بد بر آن بگذاشتی.

Amico da sternuti, il più che se ne cava è un Dio ti aiuta.

He's a friend at sneezing-time,—the most that can be got from him is a "God bless you."

او رفیق موقع یک عطسه است
جز فقط یک «عافیت باشد» دگر
هیچ چیز از وی نمی‌آید به دست.

Amico d'ognuno, amico di nessuno.

Everybody's friend, nobody's friend.

هر کسی دوست هر انسانی است
دوست هیچ کسی نیست که نیست.

A molti puzza l'ambra.

Many stop their noses at ambergris.

چه بسیارند آنانی که یکسر
بچسبانند بینی را به عنبر.

Amor dà per mercede gelosia e rotta fede.

Love gives for guerdon jealousy and broken faith.

آنچه یک عشق می‌دهد پاداش
رشک و عهد شکسته‌ای باشد.

Amor è il vero prezzo con cui si compra amore.

Love is the true price at which love is bought.

بهای راستینی که بباید
برای عشق پردازید عشق است.

Amor e signoria non voglion compagnia.

Love and lordship like not fellowship.

حکومت و عاشقی شریک‌بردار نیست.

Amor non conosce misura.

Love knows no measure.

عشق پیمانه نمی‌داند چیست.

Amor regge il suo regno senza spada.

Love rules his kingdom without a sword.

عشق در ملکش بدون هیچ شمشیری حکومت می‌کند.

Amor regge senza legge.
Love rules without law.

عشق بی قانون حکومت می‌کند.

Amor, tosse, e fumo malamente si nascondono.
Love, a cough, and smoke, are hard to hide.

این سه تا چیز: عشق، سرفه و دود
سهل و آسان نهان نخواهد بود.

A nave rotta ogni vento è contrario.
To a crazy ship every wind is contrary.

بهر آن کشتی که معیوب است و سوراخ و خراب
بادها از دم همه باد مخالف می‌شوند.

Anche delle pecore contate ne mangia il lupo.
Even counted sheep are eaten by the wolf.

ای بسا گرگ بدرّد حتی
گوسفندان شمارش‌شده را.

Anche il pazzo talvolta dice qualche parola da savio.
Even the fool says a wise word sometimes.

گاه یک گاگول هم حرف درستی می‌زند.

Anche la mosca ha la sua collera.
Even a fly has its anger.

حتی مگسی خشم خودش را دارد.

A penna a penna si pela l'oca.
Feather by feather the goose is plucked.

یه دونه پر، یه دونه پر
غازه شده بدون پر.

Aperta ha la porta chiunque apporta.
Whoever brings finds the door open for him.

با دست پر به جایی اگر پا نهاده است
بیند که در همیشه به رویش گشاده است.

Apri bocca, e fa ch'io ti conosca.

Open thy mouth that I may know thee.

تو دهان بگشای تا بشناسمت.

Arditamente batte alla porta chi buone nuove apporta.

He knocks boldly at the door who brings good news.

خوش‌خبر گستاخ بر در می‌زند.

Asino che ha fame mangia d'ogni strame.

A hungry ass eats any straw.

یک الاغ گرسنه خواهد خورد
هر مدل کاه را که می‌بیند.

Asino che ragghia poco fieno mangia.

A braying ass eats little hay.

آن خری که می‌نماید عرعری
می‌خورد او یونجه‌های کم‌تری.

Asino punto convien che trotti.

A goaded ass must needs trot.

آن خری که خورده او سیخونکی
یورتمه باید رود حیوونکی.

Aspetta il porco alla quercia.

Look for the hog at the oak.

در پای بلوط در پی خوک بگرد. (خوک‌ها دانهٔ بلوط می‌خورند.)

Assai ben balla à chi fortuna suona.

He dances well to whom fortune pipes.

خوش برقصد هرکه اقبال نکو
نی‌نوازی می‌کند از بهر او.

Assai è ricco à chi non manca.

He is rich enough who does not want.

چو از هر تمنا کسی شد مبرا
به قدر کفایت طرف هست دارا.

Assai sa, chi non sa, se tacer sa.

He who knows nothing knows enough, if he knows how to be silent.

کسی که مطلقاً چیزی نداند

به مقدار نیاز خویش داناست

اگر داند چه‌سان ساکت بماند.

Assenza nemica di amore; quanto lontan dall’occhio, tanto dal cuore.

Absence is a foe to love; out of sight out of mind.

هجران و فراق دشمن عشق شود

از دل برود هر آن که از دیده رود.

A tal pozzo, tal secchio.

Like well, like bucket.

چاه هر جوری که باشد، سطل هم آن‌جوری است.

A tal santo, tal offerta.

Like saint, like offering.

قدیس هر جوری که باشد، نذری‌اش آن‌جوری است.

A tavola non vi vuol vergogna.

At table bashfulness is out of place.

سر سفره خجالت سخت بیجاست.

A tutti non si adatta una sola scarpa.

The same shoe does not fit every foot.

یک کفش که اندازهٔ هر پایی نیست.

A veste logorata poca fede vien prestata.

A ragged coat finds little credit.

کتی ژنده را اعتبار کمی است.

Bandiera vecchia, onor di capitano.

An old flag is an honour to its captain.

پرچمی کهنه برای ناخدایش فخری است.

Basta un matto per casa.

One fool is enough in a house.

توی یک خانه یک احمق کافی است.

Batti il villano, e lo avrai per amico.

Beat the churl and he will be your friend.

غربتی را تو بزن تا که رفیقت گردد.

Beata colei che di vecchio pazzo s'innamora.

Happy is she who is in love with an old dotard.

ای خوشا حال زنی کو دربست

عاشق پیر خرفتی شده است.

Bella cosa tosto è rapita.

All that's fair must fade.

هرچه زیباست بباید که پلاسیده شود.

Bella donna e veste tagliazzata sempre s'imbatte in qualche uncino.

A handsome woman and a slashed garment are sure to find some hook in the way.

یک زن ناز و قشنگ و یک لباس ریش‌ریش

چند تا قلاب می‌یابند اندر راه خویش.

Bella femmina che ride, vuol dire borsa che piange.

A beautiful woman smiling, bespeaks a purse weeping.

زن زیبای خندانی نشان است

که کیف پول مردی در فغان است.

Bella promessa lega il matto.

Fair promises bind fools.

نوید و وعده‌های خوب و زیبا

ببندد دست‌های ابلهان را.

Belle parole, ma guarda la borsa.

Fair words, but look to your purse.

حرف‌های دلفریب و دلربا

لیک کیف پول خود را هم بپا.

Belle parole non pascon i gatti.

Fair words won't feed a cat.

سخن‌های دل‌انگیز و خوشایند

غذای گربه‌ای هرگز نگردند.

Bellezza e follia sovente in compagnia.

Beauty and folly are often companions.

کله‌ای خالی و رویی دلنشین
غالباً هستند یارانی قرین.

Ben ama chi non oblia.

He loves well who does not forget.

آن‌کسی عاشق خوبی است که یادش نرود.

Benchè la bugia sia veloce, la verità l'arriva.

Though a lie be swift, truth overtakes it.

هرآنچه تیزپا باشد دروغی
حقیقت فوری از وی پیش افتد.

Benchè la volpe corra, i polli hanno le ale.

Though the fox runs, the pullets have wings.

گرچه روباه می‌دود، اما
از قضا جوجه نیز پر دارد.

Benedetto è quel male che vien solo.

Blessed is the misfortune that comes alone.

بدبیاری چه مبارک چیزی است
هر زمانی تک و تنها آید.

Ben perduto è conosciuto.

A good thing lost is valued.

چیز خوبی همین که رفت از دست
تازه دانی که قیمتش چند است.

Biasimare i principi è pericolo, e il lodarli è bugia.

To censure princes is perilous, and to praise them is lying.

سرزنش کردن شاهان عملی پرخطر است
مدحشان نیز دروغی الکی سربه‌سر است.

Bocca chiusa ed occhi aperti.

Mouth shut and eyes open.

دهان بسته‌ای، چشمان بازی.

Brutta cosa è il povero superbo e 'l ricco avaro.

A proud pauper and a rich miser are contemptible beings.

یک گدای عن‌دماغ و نیز دارای خسیس
قابل تحقیر هستند این دو موجود خبیث.

Bugie hanno corte le gambe.

Lies have short legs.

پاهای دروغ‌ها بسی کوتاه است.

Buon principio fa buon fine.

A good beginning makes a good ending.

شروعی خوب را پایان خوبی است.

Cader della padella nelle bragie.

To fall out of the frying-pan into the fire.

ز ماهیتابه در آتش فتادن.

Cadono le miglior pere in bocca a' porci.

The best pears fall into the pigs' mouths.

بهترین نوع گلابی‌ها
در دهان خوک‌ها افتند.

Calcio di cavalla non fece mai male a poledro.

The kick of a mare never hurt a colt.

لگدی ز مادیانی
ابداً به کره‌اسبی
نرسانده او زیانی.

Can che morde non abbaia in vano.

The dog that bites does not bark in vain.

هر سگی گاز اگر می‌گیرد
الکی واغّوواغی نکند.

Cane affamato non ha paura di bastone.

A hungry dog does not fear the stick.

سگ گرسنه از چماقی نترسد.

Cane vecchio non abbaia indarno.
An old dog does not bark for nothing.

پارس‌های هر سگ پیری
نیست چیزی بی‌خود و کیری.

Can ringhioso e non forzoso, guai alla sua pelle.
The dog that is quarrelsome and not strong, woe to his hide.

وای بر پوست آن سگ که شرور است و قوی نیست.

Carica volontaria non carica.
A voluntary burthen is no burthen.

باری که با میل خودت برمی‌گزینی بار نیست.

Caro costa quel che con preghi si compra.
That costs dear which is bought with begging.

بهای آنچه آن را با گدایی
به دست آورده باشی بس گران است.

Caro mi vendi, e giusto mi misura.
Sell me dear, and measure me fair.

مرا گران بفروش و درست وزنم کن.

Casa fatta, possession disfatta.
The house completed, possession defeated.

خانه تکمیل شده، پول‌وپله رفته به باد.

Casa mia, casa mia, per piccina che tu sia, tu mi sembri una badìa.
Home, dear home, small as thou art, to me thou art a palace.

خونهٔ من، خونهٔ دوس‌داشتنی
گرچه کوچیکی، ولی کاخ منی.

Castello che dà orecchia si vuol rendere.
The fortress that parleys soon surrenders.

قلعه وقتی به‌جای جنگ و نبرد
سخن از صلح در میان آورد
او به زودی سقوط خواهد کرد.

Cattive nuove presto corrono.
Ill news travels fast.

خبر بد سریع می‌آید.

Cavallo ingrassato tira calci.
A horse grown fat kicks.

اسب فربه‌گشته جفتک می‌زند.

Cavallo magro non tira calci.
A lean horse does not kick.

اسب لاغرمیان لگد نزند.

Cerca cinque piedi al montone.
He is in search of a ram with five feet.

به دنبال قوچی است با پنج پا.

Che sarà, sarà.
What will be, will be.

می‌شود آنچه قرار است شود.

Chi abbisogna, non abbia vergogna.
He that wants should not be bashful.

آدمی که فقیر و محتاج است
که نباید خجالتی باشد.

Chi ama, crede.
Who loves, believes.

او که عاشق شده باور دارد.

Chiama l'arbore, ama il ramo.
Who loves the tree loves the branch.

هر کسی بر درخت اگر دل بست
عاشق شاخه نیز حتماً هست.

Chi ama, teme.
Who loves, fears.

هر کسی عاشق است می‌ترسد.

Chi asino è, e cervo esser si crede, al saltar del fosso sè ne avvede.

He who is an ass and thinks himself a stag, finds his mistake when he comes to leap the ditch.

گر کسی در واقعیت یک خر است

لیک پندارد گوزنی باشد او

اشتباهش را بفهمد هر زمان

لازم آید بپرد از روی جو.

Chi aspettar puole, ha ciò che vuole.

He who can wait obtains what he wishes.

مردی که شکیباست به کامش برسد.

Chi ben vive, ben predica.

He preaches well who lives well.

هر کسی زندگی‌اش هست نکو

بس نکو موعظه‌ای می‌کند او.

Chi biasima, vuol comprare.

He who decries, wants to buy.

هر کسی می‌زنه توی سر جنس

شک نکن مایله اونو بخره.

Chi burla, si confessa.

He that jokes, confesses.

او که شوخی می‌نماید اعترافی می‌کند.

Chi burla, vien burlato.

The biter is sometimes bit.

نیش‌زن را گاه نیشی می‌زنند.

Chi canta, i suoi mali spaventa.

He who sings drives away sorrow.

هر کسی آواز می‌خواند

غصه را از خویش می‌راند.

Chi colomba si fa, il falcon se la mangia.

He who makes himself a dove is eaten by the hawk.

او که کفتر می‌نماید خویش را

طعمهٔ قوشی شود در انتها.

Chi compra terra, compra guerra.
Who buys land buys war.

هر آدمی زمین بخرد جنگ می‌خرد.

Chi con l’occhio vede, di cuor crede.
Seeing is believing.

دیدن است آنی که باور کردن است.

Chi contra il cielo getta pietra, in capo gli ritorna.
Who throws a stone at the sky, it falls back on his head.

او که سنگی به آسمان انداخت
سنگ او بر سر خودش افتد.

Chi dà presto, dà il doppio.
He gives twice who gives in a trice.

دو بار می‌دهد آن‌کس که بی‌درنگ دهد.

Chi della serpa è punto, ha paura della lucertola.
He who has been stung by a serpent is afraid of a lizard.

او که ماری گزیده است او را
مارمولک که دید، می‌ترسد.

Chi dice i fatti suoi, mal tacerà quelli d’altrui.
He who tells his own affairs will hardly keep secret those of others.

او که راز خویشتن را بازگفت
کی توانی گفت یارو قادر است
رازهای خلق را در دل نهفت.

Chi divide il miele con l’orso ha la minor parte.
Who divides honey with the bear, will be like to get the lesser share.

او که با خرسی عسل تقسیم کرد
صاحب آن سهم کم‌تر می‌شود.

Chi è al coperto quando piove, è ben matto se si muove.
He who is under cover when it rains is a great fool if he stirs.

هر کسی هنگام باران زیر سقفی باشد او
گر بجنبد او ز جایش هست یک خنگ ببو.

Chi è dell'arte ne può ragionare.
He who is of the craft can discourse about it.

هر کسی اهل حرفه‌ای باشد
می‌تواند از آن سخن گوید.

Chi è in peccato, crede che tutti dicano male di lui.
He who is guilty believes that all men speak ill of him.

یک گنهکار خودش آگاه است
بد او را همگان می‌گویند.

Chi erra nelle decine, erra nelle migliaja.
Who errs in the tens errs in the thousands.

هر زمان در حساب دهگانی
بکند اشتباه یک آدم
بی‌گمان اشتباه خواهد کرد
در حساب هزارگانی هم.

Chi fa à suo modo, non gli duole il capo.
He who does as he likes has no headache.

کسی هرگز نمی‌گیرد سرش درد
که هر کاری که عشقش می‌کشد کرد.

Chi fa li fatti suoi, non s'imbratta le mani.
He who doth his own business defileth not his fingers.

مردی که فقط کار خودش را بکند
آلوده نمی‌کند سرانگشتان را.

Chi fatica è tentato da un demonio, chi sta in ozio da mille.
He that labours is tempted by one devil, he that is idle by a thousand.

کسی را که همیشه گرم کار است
نماید وسوسه ابلیسی، اما
هزار ابلیس از سوی مقابل
نماید وسوسه بیکاره‌ای را.

Chi fonda in sul popolo, fonda in sulla rena.
Who builds on the mob builds on sand.

او که روی عوام می‌سازد
خانه‌ای روی شن بنا کرده.

Chi giura, è bugiardo.
He who swears is a liar.

هر آدمی قسم بخورد یک دروغگوست.

Chi ha capo di cera, non vada al sole.
He who has a head of wax must not walk in the sun.

معقول نیست آن که سر از موم دارد او
گامی در آفتاب گذارد به هیچ رو.

Chi ha compagno, ha padrone.
He who has a mate has a master.

هرکه یک همنشین و همدم داشت
لابد ارباب و سروری هم داشت.

Chi ha denti, non ha pane; e chi ha pane, non ha denti.
He who has teeth has no bread, and he who has bread has no teeth.

بعضی از خلق خدا نان دارند
که دگر یکسره بی‌دندان‌اند
آن‌کسان نیز که دندان دارند
طفلکی‌ها همگی بی‌نان‌اند.

Chi ha de' pani, ha de' cani.
He who has loaves has dogs.

هرکه نان داشت صاحب سگ‌هاست.

Chi ha moglie, ha doglie.
He who has a wife has woes.

هر کسی یک عیال دارد او
ماتم و ضدحال دارد او.

Chi ha pazienza, vede la sua vendetta.
Who has patience sees his revenge.

بردبارانه اگر بنشیند او
انتقام خویش را می‌بیند او.

Chi ha paura del diavolo, non fa roba.
He that is afraid of the devil does not grow rich.

مرد دارایی نخواهد شد کسی
گر ز شیطان می‌هراسد او بسی.

Chi ha qualche cosa, è qualche cosa.
Who has something is something.

هرکه چیزی دارد او یک چیزی است.

Chi ha sospetto, di rado è in difetto.
He who suspects is seldom at fault.

هر کسی بر خلق باشد بدگمان
او به ندرت می‌کند خبط و زیان.

Chi ha un sol porco, facilmente l'ingrassa.
He that has but one pig easily fattens it.

هر کسی دارد فقط یک خوک و بس
راحت و آسوده پروارش کند.

Chi la fa, se la dimentica, ma non chi la riceve.
He who does the wrong forgets it, but not he who receives it.

او که ظلمی می‌کند در حق خلق
یاد آن فوری ز ذهنش می‌پرد
او که ظلمی بیند از دست کسی
ظلم را حاشا ز خاطر می‌برد.

Chi mal comincia, peggio finisce.
He who begins ill finishes worse.

گر بد آغاز کرده باشد مرد
بدتر از آن تمام خواهد کرد.

Chi mal semina, mal raccoglie.
Who sows ill reaps ill.

بد که می‌کارد مرد
بد درو خواهد کرد.

Chi mangia peri col suo signore, non sceglie i migliori.
He who eats pears with his master should not choose the best.

او که با ارباب خود دارد گلابی می‌خورد
بهترین‌ها را نباید بهر خود بردارد او.

Chi molte cose comincia, poche ne finisce.
He who begins many things finishes few.

او که خیلی کار را با یکدگر آغاز کرد
زان میان تعدادی اندک را به پایان می‌برد.

Chi nasce bella, nasce maritata.
She who is born a beauty is born betrothed.

دختری اگر زیبا آمده به این دنیا
از همان دم اول نامزد شده گویا.

Chi nasce di gallina, convien che rozzuola.
What is born of a hen will scrape.

آنچه از مرغی به در می‌آید آن
می‌خراشد خاک را ناخن‌کشان.

Chi nasce di gatta sorice piglia.
What is born of a cat will catch mice.

آنچه از گربه سر برون آورد
موش‌ها را شکار خواهد کرد.

Chi nasce matto, non guarisce mai.
Who is born a fool is never cured.

هر کسی زاییده شد یک کس‌ببو
هیچ درمانی ندارد درد او.

Chi nel fango casca, quanto più si dimena, più s'imbratta.

When a man has fallen into the mire, the more he flounders the more he fouls himself.

مرد هنگامی که در لای و لجن افتاده است
هرچقدر او بیش‌تر سعی و تقلا می‌کند
در سراپایش کثافت بیش‌تر خواهد نشست.

Chi niente sa, di niente dubita.

He who knows nothing never doubts.

کسی که هیچ نداند به هیچ شک نکند.

Chi non fallisce, non arricchisce.

He that never fails never grows rich.

هر کس به عمر خویش شکستی نخورده است
هرگز به هیچ مال و منالی نمی‌رسد.

Chi non ha figliuoli, non sa che cosa sia amore.

Who has no children does not know what love is.

اون‌کسی که نداره فرزندی
معنی عشق رو نمی‌دونه.

Chi non ha niente, non teme niente.

Who has nothing fears nothing.

هر کسی دست او به‌کل خالی است
هیچ ترسی درون جانش نیست.

Chi non ha nulla, non è nulla.

Who has nothing is nothing.

هر کسی چیزی ندارد هیچ نیست.

Chi non ha piaghe, se ne fa.

Who has no plagues makes himself some.

هرکه را دردسری نیست، خودش
بهر خود دردسری می‌سازد.

Chi non ha vergogna, tutto il mondo è suo.

Who has no shame all the world is his own.

هر کس که بی‌حیاست جهان مال شخص اوست.

Chi non può, sempre vuole.
He who is unable is always willing.

هرکه از انجام کاری عاجز است
بدرقم مشتاق انجامش بُود.

Chi non s'arrischia non guadagna.
He who risks nothing can gain nothing.

او که از ریسک کند پرهیزی
نتواند به کف آرد چیزی.

Chi non stima altri che sè, è felice quanto un re.
He who esteems none but himself is as happy as a king.

او که جز خود به کسی هیچ محل نگذارد
مثل یک شاه دلی خرم و خندان دارد.

Chi non vuol piedi sul collo, non s'inchini.
Who would not have feet set on his neck, let him not stoop.

نباید خم شود گر خوش ندارد
که فرد دیگری بسیار راحت
به روی گردن او پا گذارد.

Chi paga debito, fa capitale.
Who pays a debt creates capital.

هر کسی کو قرض خود را پس دهد
بهر خود سرمایه‌ای بنیان نهد.

Chi paga innanzi, è servito indietro.
Who pays beforehand is served behindhand.

هر کسی از قبل مزدی می‌دهد
نوکر او مزد را می‌گیرد و
امر او را پشت گوشش می‌نهد.

Chi perde, ha sempre torto.
He who loses is always in fault.

او که می‌بازد همیشه برخطاست.

Chi piglia l’anguilla per la coda, e la donna per la parola, può dir che non tiene niente.

Who takes an eel by the tail and a woman at her word, may say he holds nothing.

او که دمّ مارماهی را گرفت

یا به گفتار زنی چسبید سفت

گر ببیند توی دستش هیچ نیست

مطمئناً نیست یک چیز شگفت.

Chi piglia leone in assenza, teme la talpa in presenza.

Who takes a lion at a distance fears a mole present.

کسی که شیر دوری را بگیرد

ز موش کور نزدیکی بترسد.

Chi più sa, meno parla.

Who knows most says least.

هرکه علمش بیش‌تر باشد کلامش کم‌تر است.

Chi prende, si vende.

Who accepts, sells himself.

او که چیزی می‌پذیرد، خویشتن را می‌فروشد.

Chi raro viene, vien bene.

Who comes seldom, is welcome.

همیشه مقدم یارو گرامی است اگر

که گاه‌گاه و به ندرت زند به آدم سر.

Chi s’aiuta, Dio l’aiuta.

God helps him who helps himself.

شود یاور و یار آن‌کس خدا

که او نیز یاری کند خویش را.

Chi sa poco, presto lo dice.

He who knows but little quickly tells it.

هرکه اندک چیزکی می‌داند او

فوری آن را بر زبان می‌راند او.

Chi semina spine, non vada scalzo.
Who sows thorns should not go barefoot.

آن‌کسی که خار می‌کارد نمی‌باید
هیچ موقع پابرهنه راه پیماید.

Chi si affoga, s'attaccherebbe a' rasoj.
A drowning man would catch at razors.

از سر ناچاری انسان غریق
چنگ می‌اندازد او حتی به تیغ.

Chi si fa fango, il porco lo calpestra.
He that makes himself dirt is trod on by the swine.

هر زمان خود را کثافت کرد مرد
خوک‌ها او را لگد خواهند کرد.

Chi si fa pecorella, i lupi la mangiano.
Make yourself a sheep and the wolves will eat you.

خودت را گوسفندی کن که گرگانت بدرّانند.

Chi si lascia mettere in spalla la capra, indi a poco è sforzato a portar la vacca.
He who lets the goat be laid on his shoulders is soon after forced to carry the cow.

آخرش یک گاو را بر دوش آن یارو نهند
کو گذارد تا بزی را روی دوش او نهند.

Chi si loda, s'imbroda.
He who praises himself befouls himself.

به خود لای و لجن می‌پاشد آن مرد
که خود را مدح و تحسین و ثنا کرد.

Chi si scusa, s'accusa.
Who excuses himself accuses himself.

کسی که عذر می‌خواهد خودش را متهم کرده.

Chi soffia nella polvere, se ne empie gli occhi.
He who blows upon dust fills his eyes with it.

هر کسی بر گردوخاکی فوت کرد
چشم‌هایش پر شوند از گردوخاک.

Chi vuol ammazzar il suo cane, basta che dica ch'è arrabbiato.
He who wants his dog killed has only to say he's mad.

او که خواهد که سگش را بکشند
کافی است این‌که بگوید هار است.

Chi vuol arricchire in un anno, è impiccato in sei mesi.
He who would be rich in a year gets hanged in six months.

او که می‌خواهد سر یک سال گردد پولدار
او سر شش ماه خواهد رفت بر بالای دار.

Chi vuol dell'acqua chiara, vada alla fonte.
He who would have clear water should go to the fountain head.

هر کسی طالب آب پاکی است
باید او تا سر چشمه برود.

Chi vuol esser amato, convien ch'il ami.
Who would be loved must love.

او که می‌خواهد که فرد دیگری
پایبند دام عشق او شود
اولش باید خودش در دام عشق
افتد و دیوانهٔ یارو شود.

Chi vuol il lavoro mal fatto, paghi innanzi tratto.
If you would have the work ill done, pay beforehand.

خواستی کار بد انجام شود
پیش از انجام عمل مزد بده.

Chi vuol riposare, convien travagliare.
He who would rest must work.

کار باید بکند او که پی راحتی است.

Ciascuno ha un matto nella manica.
Every man has a fool in his sleeve.

ابلهی در آستین هر کسی است.

Cieco è l'occhio, se l'animo è distratto.
The eye is blind if the mind is absent.

چشم نابیناست وقتی ذهن انسان غایب است.

Città affamata tosto è espugnata.
A starved town is soon forced to surrender.

شهر قحطی‌زده بردارد دست
از نبرد و بخورد زود شکست.

Coda d'asino non fa crivello.
An ass's tail will not make a sieve.

تو به هر حیله و ترفندی و با هر کلکی
از دم خر نتوانی که بسازی الکی.

Comincia a diventar cattivo chi si tien buono.
He begins to grow bad who believes himself good.

او که پندارد که فرد خوبی است
اندک اندک آدمی بد می‌شود.

Contro amore non è consiglio.
Counsel is nothing against love.

اندرز علیه عشق هیچ است.

Corre lontano chi non torna mai.
He runs far who never turns.

تواند مسیر درازی دود او
که هر دم نپیچد به این‌سو و آن‌سو.

Costa men del don quel che si compra.
What is bought is cheaper than a gift.

چیز خریداری‌شده ارزان‌تر از یک هدیه است.

Cuor forte rompe cattiva sorte.
A stout heart overcomes ill fortune.

دلی که قوی باشد و جنگجو
بر اقبال بد چیره خواهد شد او.

Da cattivo pagatore togliete paglia.

From a bad paymaster take straw.

اگر کارفرما حسابش بد است

فقط یک پر کاه از وی بگیر.

Dal detto al fatto vi è un gran tratto.

From saying to doing is a long way.

از سخن تا به عمل راه درازی داریم.

Dalla mano alla bocca si perde la zuppa.

Between the hand and the month the soup is spilt.

در همین راه بین دست و دهان

سوپمان رفته است از کفمان.

Dalla rapa non si cava sangue.

There is no getting blood from a turnip.

ز شلغم خون برون کردن محال است.

Danari fanno danari.

Money breeds money.

پول با خویش پول می‌آرد.

Da stagione tutto è buono.

Everything is good in its season.

هرچه در فصل خودش می‌چسبد.

De' grandi e de' morti o parla bene, o taci.

Of the great and of the dead either speak well or say nothing.

از مردگان و نیز بزرگان — به هوش باش

یا حرف‌های خوب بزن یا خموش باش.

Dei gusti non se ne disputa.

There's no disputing about tastes.

بر سر ذائقه‌ها بین کسان

جروبحثی نشود هیچ زمان.

Dell’amico bene; del nemico nè bene nè male.

Speak well of your friend; of your enemy neither well nor ill.

از دوست خود چیز نکویی تو بگو

از دشمن خود نه بد بگو و نه نکو.

Del can che morde, il pelo sana.

A hair of the dog cures the bite.

مویی از سگ زخم نیشش را مداوا می‌کند

(= بهر رفع مستی‌ات پیمانه‌ای دیگر بنوش).

Del cervello ognuno si pensa d’averne più che parte.

Every one thinks he has more than his share of brains.

هر کسی در پیش خود دارد گمان

سهم مغز او سر است از دیگران.

Della sua istessa colpa amor è scusa.

Love is an excuse for its own faults.

عشق عذری است بر عیوب خودش.

Del tutto non è savio chi non sa far il pazzo.

He is not a thorough wise man who cannot play the fool on occasion.

نیست او آخر ادراک و خرد

گر به وقتش نتواند از بیخ

خویشتن را به خریت بزند.

Del vero s’adira l’uomo.

It is truth that makes a man angry.

حقیقت است که یک مرد را به خشم آرد.

Di’ all’amico il tuo segreto, e ti terrà il piè sul collo.

Tell your secret to your friend and he will set his foot on your neck.

دوستت را محرم رازت بکن

تا که پایش را نهد بر گردنت.

Di buona volontà sta pieno l’inferno.

Hell is full of good intentions.

دوزخ از نیات نیک آکنده است.

Di cosa che non ti cale, non dir nè ben nè male.

Of what does not concern you say nothing, good or bad.

اگر چیزی به تو ربطی ندارد

از آن حرفی نزن، نه خوب، نه بد.

Di dove meno si pensa, si leva la lepre.

The hare starts from where it is least expected.

از همان‌جا که بدان فکر تو کم‌تر برود

از همان‌جاست که خرگوش یهو در برود.

Di notte tutti i gatti sono neri.

By night all cats are black.

تمام گربه‌ها شب‌ها سیاه‌اند.

Di novello tutto par bello.

Everything new is beautiful.

هر چیز نویی قشنگ باشد.

Dio ci manda la carne, ma il diavolo i cuochi.

God sends meat and the devil sends cooks.

غذا می‌فرستد برای تو ایزد

و ابلیس هم آشپز می‌فرستد.

Dio guarisce, e il medico è ringraziato.

God heals and the doctor has the thanks.

شفا از خدا و تشکر نصیب پزشک است.

Di questo mondo ciascuno n'ha quanto se ne toglie.

Of this world each man has as much as he takes.

هر کس از این جهان همان دارد

که خود او به چنگ می‌آرد.

Di picciol uomo spesso grand'ombra.

A little man often casts a long shadow.

مرد بسیار کوچکی اغلب

سایه‌ای بس بلند اندازد.

Di rado il medico piglia medicina.
The doctor seldom takes physic.

پزشکان به ندرت دوا می‌خورند.

Di rado visto, presto scordato.
Seldom seen soon forgotten.

آنچه کم دیده شود زود فراموش شود.

Dispicca l'impiccato, e impiccherà poi te.
Take down a thief from the gallows and he will hang you up.

وارهان یک دزد را از چوب دار
تا کند بر روی آن دارت سوار.

Di tutte le arti maestro è amore.
Love is master of all arts.

عشق استاد هر مدل هنری است.

Doglia di moglie morta dura fino alla porta.
Grief for a dead wife lasts to the door.

غم و غصهٔ هر زن مرده‌ای
فقط تا دم در دوام آورد.

Donna di finestra, uva di strada.
A woman at the window, a bunch of grapes on the wayside.

خانمِ اندر کنار پنجره لم داده‌ای
خوشه‌ای انگور باشد در کنار جاده‌ای.

Donna è mobile come piume in vento.
Woman is as changeable as a feather in the wind.

زن مثل پری توی هوا دمدمی است.

Donna si lagna, donna si duole, donna s'ammala quando la vuole.
A woman's in pain, a woman's in woe, a woman is ill, when she likes to be so.

زنه البته درد داره خفن
زنه البته غصه داره زیاد
زنه البته سخت بیماره
هر زمونی خودش دلش می‌خواد.

Donne, preti, e polli non son mai satolli.
Women, priests, and poultry, never have enough.

کشیشان و زنان و مرغ‌ها را
ز چیزی سیرمونی نیست گویا.

Dopo che i cavalli sono presi, serrar la stalla.
To lock the stable after the horses are taken.

بر در اصطبل خود قفلی زدن
بعد از آن که اسب‌ها را برده‌اند.

Dopo il radere non ci è più che tosare.
After shaving there is nothing to shear.

بر تن گوسفند پشم‌زده
هیچ چیزی برای چیدن نیست.

Dove bisognan rimedj, il sospirar non vale.
Where remedies are needed, sighing avails not.

هرکجایی به دوا حاجت بود
ندهد ناله و افغان تو سود.

Dove è grand'amore, quivi è gran dolore.
Where there is great love there is great pain.

هرکجا عشق بزرگی آن‌جاست
زحمت و رنج بزرگی برپاست.

Dove è il Papa, ivi è Roma.
Where the Pope is there is Rome.

هرکجا پاپ هست، رم آن‌جاست.

Dov'è l'amore, là è l'occhio.
Where love is, there the eye is.

عشق هر جاست، نظر هم آن‌جاست.

Dove è manco cuore, quivi è più lingua.
Where there is least heart there is most tongue.

هرکجایی جرئت دل کم‌تر است
لحن اصوات زبان محکم‌تر است.

Dove entra il vino, esce la vergogna.
When wine enters modesty departs.

باده از این سو که وارد می‌شود
زان طرف شرم و حیا بیرون رود.

Dove il fiume ha più fondo, fa minor strepito.
Where the river is deepest it makes least noise.

رود هر جا عمیق‌تر گذرد
بانگ و غوغای کم‌تری دارد.

Dove la siepe è bassa, ognun vuol passare.
Where the hedge is low every one will cross it.

می‌پرند افراد این‌سوی چپر
هرکجایی باشد آن کوتاه‌تر.

Dove la voglia è pronta, le gambe son leggiere.
When the will is prompt the legs are nimble.

هر زمانی اراده مشتاق است
پای تو حاضر است و قبراق است.

Dove l'oro parla, ogni lingua tace.
When gold speaks every tongue is silent.

هرکجایی زر به گفتار آمده
بر زبان‌ها مهر خاموشی زده.

Dove l'uscio è basso, bisogna inchinarsi.
He must stoop that has a low door.

کسی که در خانه‌اش کوته است
بباید سرش را کمی خم کند.

Dove non è egualità, mai perfetto amor sarà.
Where there is not equality there never can be perfect love.

چون تساوی نبود در جایی
اندر آن نیست عشق والایی.

Dove non si crede, l'acqua rompe.
The water breaks out where it is not expected.

آب سر می‌رود از آن‌جایی
که تو یک‌ذره گمان ننمایی.

Dove sono molti cuochi, la minestra sarà troppo salata.
Where there are too many cooks the soup will be too salty.

آشپز هر جا که بسیار است
سوپِ خیلی شور بر بار است.

Dove il lupo trovò un agnello, ve ne cerca uno novello.
Where the wolf found a lamb he looks for another.

گرگ هر جا بره‌ای را یافته
در پی آن دیگری بشتافته.

Dove va la nave, può andar il brigantino.
Where the ship goes the brig can go.

هرکجا کشتی از آن رد می‌شود
زورقی هم بی‌گمان رد می‌شود.

Due teste son migliori che una.
Two heads are better than one.

دو تا سر بسی بهتر از یک سر است.

Duro con duro non fece mai buon muro.
Hard upon hard never made a good wall.

چیز سفتی را چو بگذارند روی چیز سفت
این‌چنین حاشا اگر دیوار خوبی پا گرفت.

E bello predicare il digiuno a corpo pieno.
It is easy to preach fasting with a full belly.

هر زمانی شکمت سیر بُود
روزه را موعظه کردن سهل است.

E bene aver degli amici per tutto.
It is good to have friends everywhere.

خوب است اگر که دوستانی
آماده کنی به هر مکانی.

E come l’ancora, che sta sempre nel mare e non impara mai nuotare.

He is like the anchor that is always in the sea, yet does not learn to swim.

چو لنگر همیشه بُود توی دریا

نیاموزد اما اصول شنا را.

Egli dà le pecore in guardia al lupo.

He sets the wolf to guard the sheep.

گرگ را او پاسبان گوسفندان می‌کند.

Egli ha bel dir bugie chi viene da lontano.

He may lie safely who comes from afar.

هر کسی از جای دوری آمده

راحت و آسوده می‌گوید دروغ.

Ei grida pria d’esser battuto.

He cries out before he is hurt.

پیش از آنی که ببیند صدمه

داد و بیداد کند پیش همه.

E la peggior ruota quella che fa più rumore.

The worst wheel creaks most.

چرخ بدتر بیش‌تر غژغژ کند.

E mal rubare a casa de’ ladri.

It is not easy to steal in thieves’ houses.

دزدی از خانهٔ دزدان عملی آسان نیست.

E meglio cader dalla finestra che dal tetto.

Better to fall from the window than the roof.

به که از پنجره افتی تا بام.

E meglio dare che aver a dare.

Better give than have to give.

دادن از با زور دادن بهتر است.

E meglio dar la lana che la pecora.

Better give the wool than the sheep.

بهتره پشم گوسفنده بره

تا خود گوسفنده حفظ بشه.

E meglio esser capo di gatto che coda di leone.
Better be the head of a cat than the tail of a lion.

سر یک گربه اگر باشم من
بهتر است از دم شیری بودن.

E meglio esser capo di lucertola che coda di dracone.
Better be the head of a lizard than the tail of a dragon.

کلهٔ یک مارمولک بودنت
از دم یک اژدها بودن سر است.

E meglio esser uccel di bosco che di gabbia.
Better be a bird of the wood than a bird in the cage.

مرغ چوبین بودن از مرغ قفس بودن سر است.

E meglio il cuor felice che la borsa.
A happy heart is better than a full purse.

یک دل خالی از غم و شنگول
بهتر است از دو جیب غرقهٔ پول.

E meglio lasciare che mancare.
It is better to leave than to lack.

چو زیاد باشد از حد
به از آن‌که کم بیاید.

E meglio perder la sella che il cavallo.
Better lose the saddle than the horse.

به که زینی برود تا اسبی.

E meglio piegare che rompere.
Better bend than break.

خم شدن بهتر از شکستن ماست.

E meglio sdrucciolare col piè che con la lingua.
Better slip with the foot than with the tongue.

به که با پایت بلغزی تا زبان.

E meglio stuzzicare un cane che una vecchia.
It is better to irritate a dog than an old woman.

گر سگی را عصبانی بکنی
به ز انگولک یک پیرزن است.

E meglio un uccello in gabbia che cento fuori.
A bird in the cage is worth a hundred at large.

یک پرنده که توی یک قفس است
بهتر از صد پرنده‌ای باشد
که شکارش برون ز دسترس است.

E ricco chi non ha debiti.
He is rich who owes nothing.

هر کسی قرضی ندارد روی دست
آدم بسیار ثروتمندی است.

E sempre buono aver due corde al suo arco.
It is always good to have two strings to your bow.

برای کمانت همیشه دو زه
اگر داشته باشی آن هست به.

E troppo un nemico, e cento amici non bastano.
One enemy is too many, and a hundred friends are too few.

هست یک دشمن برایت بس زیاد
زان‌طرف صد دوست هم خیلی کم است.

E un cattivo boccone quello che affoga.
It's a bad mouthful that chokes.

لقمه چو پایین نرود از گلو
لقمهٔ بسیار بدی باشد او.

Fa bene, e non guardare a chi.
Do good, and care not to whom.

تو نیکی کن و بی‌خیالش بشو
که در حق کی نیکویی می‌کنی.

Fa quel che devi, e n'arrivi ciò che potrà.
Do what you ought come what may.

تو آن کار را کن که باید کنی
بهل حاصلش هرچه خواهد شود.

Far conto dell'uovo non ancor nato.
Don't reckon your eggs before they are laid.

تخم‌های توی کون مرغ‌ها را نشمرید.

Fatti di miele, e ti mangeran le mosche.
Make yourself honey and the flies will eat you.

عسل کن خویشتن را تا مگس‌ها
خورند از پای تا سر هیکلت را.

Felice non è chi d'esser non sa.
He is not happy who knows it not.

شادمان نیست هر آن‌کس که نداند شاد است.

Femmine e galline per troppo andar si perdono.
Women and hens are lost by too much gadding.

می‌روند از دست مرغان و زنان
هر زمان بسیار ولگردی کنند.

Figlie e vetri son sempre in pericolo.
Lasses and glasses are always in danger.

ظرف‌های بلور و دخترکان
ابدالدهر در خطر هستند.

Finche vi è fiato vi è speranza.
While there's life there's hope.

تا زندگی‌ای هست امیدی هم هست.

Fra dir e far si guastano scarpe assai.
Between saying and doing many a pair of shoes is worn out.

بین سخن و عمل همیشه
یک‌عالمه کفش پاره می‌شه.

Fra galantuomini parola è istrumento.

Among men of honour a word is a bond.

بین مردان شرافتمند
واژه‌ای حکم سند دارد.

Fra gli amici guardami Iddio, che fra' nemici mi guarderò io.

God keep me from my friends, from my enemies I will keep myself.

خدا ز دست رفیقان بُود نگهدارم
که خویش را خودم از دشمنان نگه دارم.

Freno indorato non megliora il cavallo.

A golden bit makes none the better horse.

از طلا هم که باشه یک دهنه
اسبه رو اسب بهتری نکنه.

Gatto rinchiuso doventa leone.

A cat pent up becomes a lion.

گربهٔ در بند شیری می‌شود.

Gettar la fune dietro la secchia.

To throw the rope after the bucket.

ریسمان را بعد سطل انداختن.

Gettar le margherite ai porci.

To cast pearls before swine.

بذل مرواریدها در پای خوک.

Gli errori del medico gli copre la terra.

The earth covers the errors of the physician.

اشتباه دکتری را خاک پنهان می‌کند.

Granata nuova, tre dì buona.

A new broom is good for three days.

جاروی جدید تا سه روزی خوب است.

Gran chiesa e poca divozione.

A great church and little devotion.

کلیسایی بزرگ و زهدی اندک.

Guarda che tu non lasci la coda nell'uscio.

Take care you don't let your tail be caught in the door.

تو بیا لای در نمونه دمت.

Guarda innanzi che tu salti.

Look before you leap.

پیش از آن‌که بپری
بکن اول نظری.

Guardatevi dal "Se io avessi sospettato."

Beware of "Had I but known."

برحذر باش از «ای کاش که می‌دانستم».

Guardati da aceto di vin dolce.

Beware of the vinegar of sweet wine.

از سرکه‌های بادهٔ شیرین حذر کنید.
(= ای بسا عشقی که خوب و دلکش است   در نهایت نفرتی سرکش شود.)

Guerra cominciata, inferno scatenato.

War begun, hell unchained.

جنگ آغاز شد و بند جهنم وا شد.

I bocconi grossi spesso strozzano.

Big mouthfuls often choke.

لقمه‌های بزرگ معمولاً
در گلو گیر می‌کنند خفن.

I frutti proibiti sono i più dolci.

Forbidden fruit is the sweetest.

شیرین‌ترینِ میوه‌ها آن میوهٔ ممنوعه است.

I gran dolori sono muti.

Great griefs are mute.

غصه‌های بزرگ خاموش‌اند.

Il buon marinaro si conosce al cattivo tempo.

The good seaman is known in bad weather.

این‌که کی دریانورد خوبی است
در هوای بد مشخص می‌شود.

Il buono è buono, ma il miglior vince.
Good is good, but better beats it.

خوب خوب است، ولیکن بهتر
می‌تواند که شکستش بدهد.

Il can battuto dal bastone, ha paura dell'ombra.
The dog that has been beaten with a stick is afraid of its shadow.

چو با چماق سگی یک زمان کتک خورده
دگر ز سایهٔ آن نیز می‌هراسد او.

Il cane scottato dall'acqua calda, ha paura della fredda.
The scalded dog fears cold water.

سگ چو با آب جوش سوخته است
دیگر از آب سرد می‌ترسد.

Il cieco non dee giudicar dei colori.
A blind man is no judge of colours.

در مورد رنگ‌ها قضاوت کردن
از آدم کور برنیاید ابداً.

Il diavolo tenta tutti, ma l'ozioso tenta il diavolo.
The devil tempts all, but the idle man tempts the devil.

همه را حضرت ابلیس اگر وسوسه کرد
کار بیکار ولی وسوسهٔ ابلیس است.

Il domandar costa poco.
Asking costs little.

قیمت درخواست کردن اندک است.

Il fiume non s'ingrossa d'acqua chiara.
The river does not swell with clear water.

با آب زلال رود طغیان نکند.

Il leone ebbe bisogno del topo.
The lion had need of the mouse.

شیر هم محتاج موشی می‌شود.

Il mondo è dei flemmatici.

The world belongs to the phlegmatic.

دنیا از آن اوست که خونسرد و ساکت است.

Il mondo è di chi ha pazienza.

The world is for him who has patience.

دنیا از آن اوست که پرصبر و طاقت است.

Il mondo è fatto a scale, chi le scende e chi le sale.

The world is like a staircase; some go up, others go down.

جهان یک پلکان باشد به زیر پای آدم‌ها
که یک دسته از آن پایین روند و دسته‌ای بالا.

Il pane mangiato è presto dimenticato.

Eaten bread is soon forgotten.

نانی که خورده می‌شود از یاد می‌رود.

Il parer proprio non ha mai torto.

A man's own opinion is never wrong.

عقیدهٔ خود آدم به هیچ وجه خطا نیست.

Il più duro passo è quello della soglia.

The hardest step is that over the threshold.

آنچه دشواری آن بیش‌تر است
اولین گام به آن‌سوی در است.

Il riso fa buon sangue.

Laughter makes good blood.

خنده حال مرد را خوش می‌کند.

Il sacco de' mendici non ha fondo.

The beggar's wallet has no bottom.

کیسهٔ مرد گدا بی‌انتهاست.

Il secondo pensiero è il migliore.

Second thoughts are best.

افکار ثانویه همواره بهترین‌اند.

Il tempo buono viene una volta sola.

The good time comes but once.

زمان و فرصت نیکو فقط یک بار می‌آید.

Il veleno si spegne col veleno.

Poison quells poison.

زهر را هم زهر تسکین می‌دهد.

Indarno si tende la rete in vista degli uccelli.

It is in vain to lay a net in sight of the birds.

گستردن دامی جلوی چشم پرنده

یک کار بدون ثمر و پوچ و چرنده.

In lungo viaggio, anche una paglia pesa.

On a long journey even a straw is heavy.

در سفرهایی به سوی دوردست

برگ کاهی نیز وزنش خیلی است.

Innanzi al maritare, habbi l'habitare.

Before you marry have where to tarry.

پیش از آن‌که با زنی وصلت کنی

خانه‌ای از بهر خود آماده کن.

In quella casa è poca pace ove la gallina canta, ed il gallo tace.

There is little peace in that house where the hen crows and the cock is mute.

صلح و آرامش در آن خانه نباشد در میان

گر خروسش ساکت است و مرغ قوقولی‌کنان.

Invano si pesca, se l’amo non ha esca.

It is vain to fish if the hook is not baited.

طعمه وقتی بر سر قلاب نیست

صید ماهی کار پوچ و بی‌خودی است.

I paragoni son tutti odiosi.

Comparisons are odious.

هر قیاسی بوی گندی می‌دهد. (= کار پاکان را قیاس از خود مگیر.)

I pazzi per lettera sono i maggiori pazzi.
There is no fool like a learned fool.

کسی به کس‌خلی یک مشنگ فاضل نیست.

I principi hanno le braccia lunghe.
Princes have long arms.

شهان را بازوانی بس بلند است.

La chiave d'oro apre ogni porta.
The golden key opens every door.

کلید طلا هر دری را گشاید.

La codicia rompe il saco.
Covetousness bursts the sack.

آزمندی کیسه را جر می‌دهد.

La forca è fatta per i disgraziati.
The gallows was made for the unlucky.

طناب و چوبه‌های دار هر جاست
برای مردم بدشانس برپاست.

La fortuna aiuta i pazzi.
Fortune helps fools.

بخت و طالع یاور بی‌عقل‌هاست.

La fuga del nemico abbi sospetta.
Look with suspicion on the flight of an enemy.

دشمن چو کند عقب‌نشینی
آن به که تو این گریز او را
با دیدهٔ پر ز شک ببینی.

La gatta vorrebbe mangiar pesci, ma non pescare.
The cat loves fish, but is loth to wet her feet.

هرچند که گربه عشق ماهی داره
از تر شدن پاش ولی بیزاره.

Lagrime di donna, fontana di malizia.
Women's tears are a fountain of craft.

اشک زن‌ها جویبار حیله‌هاست.

La luna non cura dell'abbaiar de' cani.
The moon does not heed the baying of dogs.

به واغواغ سگان ماه اعتنا نکند.

La madre pietosa fa la figliuola tignosa.
A tender-hearted mother makes a scabby daughter.

مادری کو دل نازک دارد

دختر چرک و جرب بار آرد.

L'amico non è conosciuto finchè non è perduto.
A friend is not known till he is lost.

تا زمانی که ز دستش ندهی

دوست را ارزش و قدری ننهی.

L'ammalato dorme quando il debitor non dorme.
The sick man sleeps when the debtor cannot.

تواند تا بخوابد مرد بیمار

ولی دور است خواب از یک بدهکار.

La moglie e il ronzino piglia dal vicino.
For a wife and a horse go to your neighbour.

اسب همسایهٔ خود را بخر و

خواستگاری بکن از دختر او.

La padella dice al paiuolo: Fatti in là, che tu mi tigni.
The pan says to the pot: Keep off, or you'll smutch me.

گفت ماهیتابه دیگی را که آه

دور شو از من، مرا کردی سیاه.

La porta di dietro è quella che ruba la casa.
The back door is the one that robs the house.

سارق یک خانه درب پشتی است.

L’armi portan pace.
Arms carry peace.

اسلحه‌ها صلح پدید آورند.

La roba non è di chi la fa, ma di chi la gode.
Wealth is not his who makes it, but his who enjoys it.

ثروت نه زانِ او که به دستش بیاورد
بلکه از آن اوست کز آن بهره می‌برد.

L’asino non conosce la coda, se non quando non l’ha più.
The ass does not know the worth of his tail till he has lost it.

خر نداند که بهای دم چیست
مگر آن دم که دمش دیگر نیست.

La superbia andò a cavallo, e tornò a piedi.
Pride went out on horseback, and returned on foot.

کبر و نخوت سواره بیرون رفت
لیک پای پیاده بازآمد.

Le cattive nuove sono le prime.
Bad news is the first to come.

خبر بد نخست می‌آید.

Le disgrazie non vengon mai sole.
Misfortunes never come single.

مصائب تک به تک هرگز نیایند.

Le donne dicono sempre il vero, ma non lo dicono tutto intero.
Women always speak the truth, but not the whole truth.

زنان همواره حرف راست گویند
ولیکن نه لزوماً کل آن را.

Le feste sono belle a casa d’altri.
’Tis good feasting in other men’s houses.

در سرای دگران بزم خوش است.

Le insalate pazze, le fanno i savj.

When wise men play mad pranks they do it with a vengeance.

عاقلان مسخره وقتی بشوند

تا ته مسخره‌بازی بروند.

Le lucciole non sono lanterne.

Glowworms are not lanterns.

نه هر کرم شب‌تاب فانوسی است.

Le parole son femmine, e i fatti son maschi.

Words are female, deeds are male.

حرف‌ها ماده، عمل‌ها هم نرند.

Le piccole spese son quelle che vuotano la borsa.

It is the petty expenses that empty the purse.

خرج‌های خرده‌ریزه آخرش

کیف پول مرد را خالی کنند.

L'hai tolta bella? Tuo danno.

You have married a beauty? So much the worse for you.

تو وصلت کرده‌ای با روی زیبا؟

به خود بسیار بد کردی؛ دریغا.

Loda il mar, e tienti alla terra.

Praise the sea and keep on land.

تو دریا را ستایش کن، ولیکن

همین‌جا روی ساحل باش فعلاً.

Lontano dagli occhi, lontano dal cuore.

Far from the eyes, far from the heart.

به دور از دیده از دل نیز دور است.

L'oro non compra tutto.

Gold does not buy everything.

زر برایت همه‌چیزی نخرد.

Lo sparagno è il primo guadagno.
Savings are the first gain.

پس‌اندازها اولین صرفه‌اند.

L'ospite, ed il pesce dopo tre dì rincresce.
A guest and a fish stink in three days.

میهمان و ماهی‌ای بعد از سه روز
هر دوتاشان بوی گندی می‌دهند.

L'ultimo vestito ce lo fanno senza tasche.
Our last garment is made without pockets.

آخرین جامهٔ ما بی‌جیب است.

Medico, cura te stesso.
Physician, heal thyself.

طبیبا، خودت را مداوا بکن.

Meglio è aver il marito senza amore che con gelosia.
It is better to have a husband without love than jealous.

شوی تو حتی اگر بی‌مهر بود
باز بهتر باشد از شویی حسود.

Meglio è poco che niente.
Better aught than nought.

صفر باز از هیچ‌چیزی بهتر است.

Molto fumo, e poco arrosto.
Much smoke, and little roast.

دود بسیار و کباب اندک.

Morta la bestia, morto il veleno.
The beast once dead, the venom is dead.

جانور مرده است و سم مرده.

Muove la coda il cane, non per te, ma per il pane.
The dog wags his tail, not for you, but for bread.

سگ دم خود را اگر دیدی تکانی می‌دهد
این تکان را بهر تو نه، بهر نانی می‌دهد.

Muraglia bianca, carta di matto.

A white wall is the fool's paper.

دیوار سفید کاغذ بی‌عقل است.

N'ammazza più la gola che la spada.

Gluttony kills more than the sword.

پرخوری بیش از دم شمشیر آدم می‌کشد.

Nella guerra d'amor vince chi fugge.

In the war of love who flies conquers.

یک اصل در نبرد دو دلداده واضح است
مردی عقب‌نشینی اگر کرد فاتح است.

Nella zuffa il debole è forte.

In the fray the weak are strong.

وسط بانگ و هیاهوی نبرد
ناتوانان همه نیرومندند.

Nessun buon avvocato piatisce mai.

No good lawyer ever goes to law himself.

هر اتفاق هم که بیفتد وکیل خوب
هرگز به دادگاه شکایت نمی‌برد.

Nessun diventò mai povero per far limosina.

No one ever became poor through giving alms.

هیچ‌کس با صدقه دادن خود
آدمی مفلس و بی‌پول نشد.

Nessun sente da che parte preme la scarpa, se non chi se la calza.

No one perceives where the shoe pinches but he who wears it.

جز کسی که کفش را کرده به پاش
هیچ فرد دیگری آگاه نیست
که اذیت می‌کند پا را کجاش.

Niuna maraviglia dura più che tre giorni.

No wonder lasts more than three days.

عمر هر چیز شگفت و مرموز
سر جمعش که کنی، هست سه روز.

Non c'è amor senza gelosia.
There is no love without jealousy.

هیچ عشقی بدون غیرت نیست.

Non ci è fumo senza fuoco.
There's no smoke without fire.

هیچ دودی بدون آتش نیست.

Non ci è la peggior burla che la vera.
There is no worse joke than a true one.

هیچ شوخی زیر این طاق کبود
بدتر از یک شوخی جدی نبود.

Non credere al santo se non fa miracoli.
Don't believe in the saint unless he works miracles.

تو به قدیس نیاور ایمان
جز که یک معجزه بینی از آن.

Non dir mal dell'anno finchè passato non sia.
Speak not ill of the year until it is past.

سال را نکبت و بی‌خیر مخوان
تا بدان وقت که طی گردد آن.

Non è bello quel che è bello, ma quel che piace.
Handsome is not what is handsome, but what pleases.

نیست خوشگل او که تنها خوشگل است
خوشگل آن باشد که جایش در دل است.

Non è scappato chi si strascina la catena dietro.
He is not free who drags his chain after him.

او که زنجیر خودش را می‌کشد آزاد نیست.

Non è tutto butiro che fa la vacca.
All is not butter that comes from the cow.

هرچه از گاو درآید کره نیست.

Non è uomo chi non sa dir di nò.
He is not a man who cannot say no.

او که نتواند جواب رد دهد یک مرد نیست.

Non si fa ber l'asino quando non ha sete.
There's no making the ass drink when he is not thirsty.

تا خری تشنه نباشد نتوان
که به اجبار به او آب خوراند.

Non gridar i pesci fritti prima d'esser presi.
Don't cry fried fish before they are caught.

ماهی‌ای را نگرفته از آب
ابداً داد نزن آی کباب.

Non istanno bene due galli in un cortile.
Two cocks in one yard do not agree.

دو تا خروس درون طویله‌ای
به هیچ نوع توافق نمی‌رسند.

Non mordere se non sai se è pietra o pane.
Don't bite till you know whether it is bread or a stone.

پیش‌تر از گاز زدن تو بدان
لقمهٔ تو سنگ بُود یا که نان.

Non ogni parola vuol risposta.
Not every word requires an answer.

هر سخن پاسخی نمی‌خواهد.

Non pianse mai uno che non ridesse un altro.
One never wept but another laughed.

هیچ‌کس گریه نکرده، الا
زان‌طرف آن دگری خندیده.

Non può uscir del sacco se non quel che ci è.
Nothing can come out of a sack but what is in it.

ز گونی درنیاید هیچ، الا آنچه در آن است.

Non ricordar il capestro in casa dell'impiccato.
Never speak of a rope in the house of one who was hanged.

در خانهٔ مردی که به دارش زده‌اند
از بند و طناب هیچ حرفی نزنید.

Non ride sempre la moglie del ladro.
The thief's wife does not always laugh.

زن یک دزد همواره نخندد.

Non si deve far male per trarne bene.
Never do evil that good may come of it.

هیچ موقع شر نکن با این امید
که مگر خیری از آن خواهد رسید.

Non si dice mai tanto una cosa che non sia qualche cosa.
A thing is never much talked of but there is some truth in it.

ز هر چیزی سخن بسیار اگر شد
در آن قدری حقیقت هست لابد.

Non si può far andar un molino a vento co' mantici.
There's no turning a windmill with a pair of bellows.

نتوان آسیاب بادی را
با فقط نعره‌ای به کار انداخت.

Non si serra mai una porta che non se n'apra un'altra.
One door never shuts but another opens.

هیچ جا بسته نگشته‌ست دری
که گشوده نشده آن دگری.

Non si va in Paradiso in carrozza.
There's no getting to heaven in a coach.

تو با کالسکه‌ای کی می‌توانی
روی توی بهشت جاودانی.

Non si vorria esser solo in Paradiso.
One would not be alone in Paradise.

آدمی در بهشت تنها نیست
(= این‌که تنها شوید چیز بدی است).

Non son tutti santi quelli che vanno in chiesa.
All are not saints who go to church.

هر کسی که به کلیسا می‌رود قدیس نیست.

Non ti metter in dito anello troppo stretto.
Don't put too tight a ring on your finger.

حلقهٔ بسیار تنگی را در انگشتت نکن.

Non tutti dormono quelli che hanno serrati gli occhi.
Not all are asleep who have their eyes shut.

هر کسی چشمان خود را بسته باشد خواب نیست.

Non vien dì che non venga sera.
No day but has its evening.

هیچ روزی بلند نیست چنان
که نیاید غروب در پی آن.

Nulla nuova, buona nuova.
No news, good news.

خود این بی‌خبری یک خبر خوب و خوش است.

Occhio che non vede, cuor che non duole.
What the eye sees not the heart rues not.

آنچه را دیده‌ای نمی‌بیند
دل برایش به سوگ ننشیند.

Ogni bottega ha la sua malizia.
Every shop has its trick.

هر دکان حقهٔ خود را دارد.

Ogni cane è leone a casa sua.
Every dog is a lion at home.

هر سگی در لانهٔ خود شیری است.

Ogni cosa ha cagione.
There is a cause for all things.

برای هر پدیده علتی هست.

Ogni cosa vuol principio.

Everything must have a beginning.

هرچه را می‌باید از یک نقطه‌ای آغاز کرد.

Ogni dì vien sera.

Every day has its night.

هر روز شبانگاه خودش را دارد.

Ogni pazzo è savio quando tace.

Every fool is wise when he holds his tongue.

تا زبان خنگ در بند است
او هم انسانی خردمند است.

Ogni pazzo vuol dar consiglio.

Every fool wants to give advice.

هر خلی می‌خواهد اندرزی دهد.

Ogni pignattaro loda la sua pignatta, e più quella che tiene rotta.

Every potter praises his pot, and most of all the one that is cracked.

هر کوزه‌گری به کوزه‌اش فخر آرد
اغلب به همانی که ترک هم دارد.

Ogni tua guisa non sappia la tua camicia.

Let not your shirt know all your thoughts.

نگذار که پیراهن تو بو ببرد
توی سر تو چه رای و اندیشه‌ای است.

Ogni vero non è buono a dire.

Every truth is not good to be told.

هر حقیقت بهر گفتن خوب نیست.

Ognun sa navigar per il buon tempo.

Every one can navigate in fine weather.

هر کسی وقتی هوا خوب است و صاف
می‌تواند پشت سکان ایستد.

Ognun tira l'acqua al suo molino.

Every one draws the water to his own mill.

آب را هر آسیابانی که دید
سوی چرخ آسیاب خود کشید.

Ognun va col suo sacco al molino.

Every one goes with his own sack to the mill.

گونی خویش را گرفته به دوش
هر کسی سوی آسیاب رود.

Ombra di signore, cappel di matto.

The shadow of a lord is a cap for a fool.

سایهٔ لردی کلاه ابلهی است.

Oro è che oro vale.

That is gold which is worth gold.

هر چیزی اگر نرخ طلا داشت طلاست.

Parente, o non parente, mal per quel che non ha niente.

Kin or no kin, woe to him who has nothing.

او چه فامیل شما هست و چه نیست
وای بر او اگر او بی‌پولی است.

Passato il fiume, è scordato il santo.

The river passed the saint forgotten.

از رود که بگذشتیم، قدیس ز خاطر رفت.

Passato il pericolo, gabbato il santo.

The danger past, the saint cheated.

خطر از سر گذشته و قدیس
یک کلاه گشاد رفته سرش.

Pazienza! disse il lupo all'asino.

Patience! said the wolf to the ass.

طاقت بیار، گرگ به خر این‌چنین بگفت.

Pazzo è chi non sa da che parte vien il vento.
He is a fool who does not know from what quarter the wind blows.

او که نداند که باد از چه طرف می‌وزد
هست سرش خالی از عقل و شعور و خرد.

Peccato celato, mezzo perdonato.
A sin concealed is half forgiven.

آن گناهی که نمایید نهان
گوییا عفو شده نیمی از آن.

Peccato confessato è mezzo perdonato.
A sin confessed is half forgiven.

تا به انجام گناهی اعتراف
می‌کنی، یک نیمش آمرزیده است.

Pecora che bela perde il boccone.
The sheep that bleats loses a mouthful.

لقمه‌ای این وسط ضرر کرده
گوسفندی که وقت صرف غذا
از خودش بع‌بعی درآورده.

Pecora mansueta da ogni agnello è tettata.
A mild sheep is sucked by every lamb.

گوسفندی رام را هر بره‌ای خواهد مکید.

Peggio è la paura della guerra, che la guerra stessa.
The fear of war is worse than war itself.

ترسِ از جنگ بدتر از جنگ است.

Pensano gl'innamorati cho gli altri siano ciechi.
Lovers think others are blind.

عاشقان را هست پنداری به سر
که به‌کل کورند افراد دگر.

Perde le lagrime chi piange avanti al giudice.
He wastes his tears who weeps before the judge.

گر بگرید پیش قاضی یک نفر
اشک‌های خویش را داده هدر.

Per diventar ricco, non ci vuol altro che voltar le spalle a Dio.
To become rich, it needs only to turn one's back on God.

هر کس که بخواهد بشود ثروتمند
باید به خدا پشت نماید یک‌چند.

Per picciola cagione pigliasi il lupo il montone.
On very small pretext the wolf seizes the sheep.

با دلیل و بهانه‌ای بی‌خود
بره را گرگ می‌برد با خود.

Per più strade si va a Roma.
There are many roads to Rome.

سوی رم راه‌های بسیاری است.

Per saper troppo, perdè la sua coda la volpe.
Through being too knowing the fox lost his tail.

دم روباه اگر رفت به باد
علتش بود زرنگی زیاد.

Per tutto sono de' tristi e de' buoni.
There are good and bad everywhere.

نیک و بد در هرکجا پیدا شود.

Per un orecchio entra, per l'altro esce.
In at one ear, out at the other.

این حرف از یک گوش وارد می‌شود
از گوش دیگر نیز بیرون می‌رود.

Piccola favilla accende gran fuoco.
A little spark kindles a great fire.

اخگری کوچک حریقی می‌شود.

Pigliar due colombi a una fava.
To catch two pigeons with one bean.

به یک دانه دو تا کفتر گرفتن.

Più che il martello dura l'incudine.

The anvil lasts longer than the hammer.

عمر سندان از چکش افزون‌تر است.

Più mi tocca la camicia che la gonnella.

Near is my petticoat, but nearer is my smock.

گرچه نزدیک است روپوشم به من

زیرپوش من بُود نزدیک‌تر.

(هم‌معنای این ضرب‌المثل فرانسوی است:

نکوکاری و کار خیر بجا   در آغاز بر خویش باشد روا.   Charité bien ordonnée commence par soi-même.)

Più sa il matto in casa sua che, il savio in casa d'altri.

The fool knows more in his own house than the sage in other men's.

خنگ را در خانهٔ خود درک و فهم بهتری است

از خردمندی که توی خانهٔ آن دیگری است.

Piuttosto un asino che porti, che un cavallo che butti in terra.

Rather an ass that carries than a horse that throws.

آن الاغی که سواری بدهد

به ز اسبی که زمینت بزند.

Più vale guadagnar in loto, che perder in oro.

Better gain in mud than lose in gold.

چو چیزی درون گِل آید به دست

ز گم کردن اندر طلا خوش‌تر است.

Più vale il fumo di casa mia, che il fuoco dell'altrui.

The smoke of my own house is better than another man's fire.

دودی اندر خانهٔ من خوش‌تر از

آتشی در خانهٔ آن دیگری است.

Più vede un occhio del padrone che quattro del servitore.

One eye of the master sees more than four eyes of his servants.

ببیند یکی دیدهٔ سروران

به از چار تا دیدهٔ نوکران.

Poco fiele fa amaro molto miele.

A little gall makes a great deal of honey bitter.

کمی زرداب یک‌عالم عسل را تلخ گرداند.

Poichè la casa brucia, io mi scalderò.

Since the house is on fire I will warm myself at the blaze.

حال که خانه گرفته آتش
خویش را گرم کنم با شررش.

Povertà non ha parenti.

Poverty has no kin.

تنگدستی خویش و فامیلی ندارد.

Qual è l'amante, tal è l'amata.

As is the lover so is the beloved.

دلداده هر جوری که باشد، دلبرش آن‌جوری است.

Quando il tuo diavol nacque, il mio andava a scuola.

When your devil was born, mine was going to school.

شیطان تو روزی که به دنیا آمد
شیطان من آن روز به مکتب می‌رفت.

Quando la cosa va bene, è buono dar consiglio.

It is easy to give advice when all goes well.

چون بُود اوضاع بر وفق مراد
سهل و آسان می‌توانی پند داد.

Quando la donna regna, il diavolo governa.

When woman reigns the devil governs.

هر زمان در خانه‌ای زن پادشاست
حضرت شیطان در آن فرمانرواست.

Quando la gatta non v'è, i sorci ballano.

When the cat's away the mice dance.

گربه وقتی که از این‌جا غایب است
موش‌ها مشغول رقاصی شوند.

Quando la volpe predica, guardatevi, galline.
When the fox preaches, take care of yourselves, hens.

اگر روباه رفته روی منبر
شما ای مرغ‌ها، خود را بپایید.

Quando puoi aver del bene, pigliane.
Never refuse a good offer.

پیشنهادی چو خوش است و نکو
هیچ زمانی تو به آن نه نگو.

Quando tuona, il ladro divien uomo dabbene.
When it thunders, the thief becomes honest.

آن زمانی که هوا طوفانی است
دزد هم آدم باوجدانی است.

Quando tu vedi il lupo, non ne cercar le pedate.
When you see the wolf, do not look for his track.

گرگ را موقعی که می‌بینی
در پی ردپای او تو نگرد.

Quando viene la fortuna, apri le porte.
When fortune comes, open your doors.

بخت هر موقعی که می‌آید
پاشو درهای خانه را وا کن.

Quel che fa il pazzo all'ultimo, lo fa il savio alla prima.
A wise man does at first what a fool must do at last.

خردمندی در آغاز آن نماید
که آن را آدم بی‌عقل نادان
شود ناچار در پایان نماید.

Quel che non è stato, può essere.
What has not been, may be.

آنچه هرگز نشده تا الآن
ای بسا که پس از این می‌شود آن.

Quel che pare burla, ben sovente è vero.
Many a true word is spoken in jest.

چه بسیاری حقایق که به شوخی بر زبان آیند.

Quello che costa poco, si stima meno.
What costs little is little esteemed.

خوار شمرده می‌شود آنچه بهای آن کم است.

Quello è dolce a ricordare, che fu duro a sopportare.
That is pleasant to remember which was hard to endure.

تحمل کردنش گر بوده سنگین
به یاد آوردن آن هست شیرین.

Ragghio d'asino non arriva al cielo.
The braying of an ass does not reach heaven.

عرعر خر به آسمان نرسد.

Ride bene chi ride l'ultimo.
He laughs well who laughs last.

او که در پایان بخندد خوب می‌خندد.

Rompe una pietra una goccia d'acqua.
A drop of water breaks a stone.

یک قطرهٔ آب سنگ را می‌شکند.

Rotta la testa, si mette la celata.
When his head is broken he puts on his helmet.

بعد از آن‌که سرش شکسته دگر
می‌گذارد کلاهخود به سر.

Rubar il porco, e darne i piedi per l'amor di Dio.
To steal the pig, and give away the pettitoes for God's sake.

دزدیدن خوک و پاچه‌اش را
در راه خدا زکات دادن.

Sacco vuoto non sta ritto.
An empty sack won't stand upright.

گونی خالی کجا صاف ایستد.

Savio è colui che impara a spese altrui.

He is wise who learns at another's cost.

آدم عاقل و فرزانه هموست

که به خرج دگری آموزد.

Sciocco è chi pensa che un altro non pensi.

He is a fool who thinks that another does not think.

او مشنگی است که می‌اندیشد

دگری هیچ نمی‌اندیشد.

Sdegno cresce amore.

Anger increases love.

خشم شور عشق را افزون کند.

Sdegno d'amante poco dura.

A lover's anger is short-lived.

خشم عاشق پدیده‌ای گذراست.

Se ben ho perso l'anello, ho pur anche le dita.

If I have lost the ring I still have the finger.

اگر انگشتر من رفته از دست

هنوز انگشت من در جای خود هست.

Segreto confidato non è più segreto.

A secret imparted is no longer a secret.

راز افشاگشته دیگر راز نیست.

Se io andassi al mare, lo troverei secco.

If I went to sea I should find it dry.

گر به دریا بروم بی‌آب است.

Se la donna fosse piccola come è buona,
La minima foglia la farebbe una veste e una corona.

If a woman were as little as she is good,
A peascod would make her a gown and a hood.

اگه اندازهٔ زن بود به قدر هنرش

پوست یک نخودو عوض لباس می‌کرد برش

عوض کلاه می‌ذاشت سرش.

Se la donna vuol, tutto la puol.

Whatever a woman will she can.

زن به هر کاری که خواهد قادر است.

Se la moglie pecca, non è il marito innocente.

If the wife sins the husband is not innocent.

هر زمان یک زن گناهی می‌کند

شوهرش البته بی‌تقصیر نیست.

Se 'l sol mi splende, non curo la luna.

If the sun shines on me I care not for the moon.

اگر خورشید تابد بر سر من

مرا با ماه کاری نیست اصلاً.

Se non puoi mordere, non mostrar mai i denti.

If you can't bite, don't show your teeth.

وقتی توان گاز گرفتن نداشتی

دندان خویش را به خلایق نشان نده.

Senza debiti, senza pensieri.

Without debt without care.

بی‌بدهکاری و بی‌دلشوره.

Se ti lasci metter in spalla il vitello, quindi a poco ti metteranno la vacca.

If you let them put the calf on your shoulders, it will not be long before they clap on the cow.

گر پذیرفتی که یک گوساله بر دوشت نهند

می‌گذارند آخرش بر دوش تو یک گاو را.

Simili con simili vanno.

Like will to like.

هر چیز به سوی مثل خود خواهد رفت.

Si può pagar l'oro troppo caro.

One may buy gold too dear.

بسا که مرد طلا را بسی گران بخرد.

Si vive bene all'ombra del campanile.
It is good living under the shadow of the belfry.

زندگی در سایهٔ برج کلیسا بس خوش است.

Sorte, e dormi.
Have luck, and sleep.

تو خوش‌شانس باش و بگیر و بخواب.

Tanto è morir di male quanto d'amore.
It is all one whether you die of sickness or of love.

مردن از عشق یا که بیماری
فرق با هم ندارد انگاری.

Tardi furon savj i Troiani.
The Trojans were wise too late.

مردمان تروا دیر خردمند شدند.

(داستان نبرد تروا مشهورترین افسانهٔ یونانی است. طبق این داستان، وقتی پاریس، پسر پادشاه تروا، هلن، همسر منلائوس، را دزدید، سپاه بزرگی از همهٔ شهرهای یونان راهی تروا شد تا هلن را بازپس بگیرد. یونانیان ده سال شهر تروا را محاصره کردند، اما نتوانستند آن را فتح کنند. سرانجام به پیشنهاد اولیس، پادشاه ایتیکا، که خردمندترینِ فرماندهان سپاه یونان بود، اسب چوبینی ساختند و جمعی از دلیرترین جنگجویان یونان در آن پنهان شدند. یونانیان وانمود کردند که از محاصره دست کشیده‌اند، سوار بر کشتی‌های خود شدند و از سواحل تروا دور شدند. مردمان تروا که خود را پیروز جنگ فرض کردند، به حرف‌های پیشگویی که از آنان خواست تا اسب را به آتش بکشند توجهی نکردند، اسب چوبین را به داخل شهر آوردند و جشن پیروزی را برگزار کردند. شبانگاه جنگجویان یونانی از اسب بیرون آمدند و دروازهٔ شهر را گشودند. سپاه یونان که دوباره بازگشته بود، وارد شهر شد و تروا را فتح کرد.)

Tardi si vien con l'acqua quando la casa è arsa.
It is too late to come with water when the house is burnt down.

دیر باشد که تو از راه رسی آب به دست
خانه گر سوخته در آتش و ویران شده است.

Tra asino e asino, non corron se non calci.
Nothing passes between asses but kicks.

بین خرها به‌غیر چند لگد
هیچ چیزی مبادله نشود.

Tre cose cacciano l’uomo di casa: fumo, goccia, e femmina arrabbiata.

Three things drive a man out of doors: smoke, dropping water, and a shrew.

دود و آن سقفی که چکه می‌کند
همچنین یک همسر اخموی گند
این سه تا آن چیزها هستند که
مرد را از خانه بیرون می‌کنند.

Tre lo sanno, tutti lo sanno.

Three know it, all know it.

سه نفر چون‌که بدانند همه می‌دانند.

Trotto d’asino poco dura.

An ass’s trot does not last long.

چارنعل الاغ کوتاه است.

Tutte le strade conducono a Roma.

All roads lead to Rome.

پایان تمام راه‌ها شهر رم است.

Tutti i gusti son gusti.

All tastes are tastes.

همهٔ ذائقه‌ها ذائقه‌اند.

Tutti son bravi quando l’inimico fugge.

All are brave when the enemy flies.

دشمن چو کند عقب‌نشینی
آن‌جا همه را دلیر بینی.

Tutto il cervello non è in una testa.

All the brains are not in one head.

همهٔ مغزهای این عالم
نیست توی ملاج یک آدم.

Tutto quello che crolla non cade.

Not all that shakes falls.

نه هر چیزی که می‌لرزد بیفتد.

Una bugia ne tira dieci.

One lie draws ten after it.

دروغی ده دروغ دیگری را
همیشه در پی خود می‌کشاند.

Una spina non fa siepe.

One briar does not make a hedge.

پرچین نتوان ساخت به یک شاخهٔ خار.

Un avvertito ne val due.

A man warned is as good as two.

هرکه هشدار به او داده شده
مثل این است که همچون دو تن است.

Un buon boccone, e cento guai.

One good morsel and a hundred vexations.

یک لقمهٔ خوب و صد اذیت.

Un fior non fa ghirlanda.

One flower does not make a garland.

حاشا که ز یک گل بتوان تاج گلی ساخت.

Uomo amante, uomo zelante.

A loving man, a jealous man.

آن مرد که دل باخته یک مرد حسود است.

Uomo ammogliato, uccello in gabbia.

A married man is a caged bird.

مرد وقتی متأهل باشد
مثل مرغی است که توی قفس است.

Uomo lento non ha mai tempo.

A slothful man never has time.

یک آدم تنبل ابداً وقت ندارد.

Uomo solitario, o bestia o angiolo.

A solitary man is either a brute or an angel.

مرد خلوت‌نشین نه انسانی است
یا فرشته‌ست یا که حیوانی است.

Uscito è dal fango, ed è cascato nel rio.
He got out of the mud and fell into the river.

از توی گِل درآمد، در رودخانه افتاد.

Val più un asino vivo che un dottore morto.
A living ass is better than a dead doctor.

یک خر زنده به از یک دکتر مرده بُود.

Val più un'oncia di discrezione che una libra di sapere.
An ounce of discretion is better than a pound of knowledge.

یک نخود بینش ز یک خروار دانش بهتر است.

Vedi Napoli e poi muori.
See Naples and then die.

ناپل را تو ببین و بعد بمیر.

Vedon più quattr'occhi che due.
Four eyes see more than two.

چار چشم از دو چشم به بیند.

Ventura aver poco senno basta.
To have luck needs little wit.

شانس خوش را عقلی اندک کافی است.

Vien la fortuna a chi la procura.
Fortune comes to him who strives for it.

بخت خوش رو جانب او می‌کند
کز برای او تکاپو می‌کند.

Vino dentro, senno fuora.
When the wine is in the wit is out.

هر زمان مشروب باشد توی خون
عقل و هوش آدمی رفته برون.

Voce di popolo, voce di Dio.
The people's voice, God's voice.

صدای خلایق، صدای خدا.

هلندی

Aan een krank touw zal men zachkens trekken.

Pull gently at a weak rope.

طناب سست را آهسته‌تر کش.

Aanhoude doet verkrigen.

Perseverance brings success.

پایمردی پایهٔ پیروزی است.

Achter iederen berg ligt weer een dal.

Behind every mountain lies a vale.

پشت هر کوه دره‌ای خفته.

Alle beetjes helpen en alle vrachtjes ligten, zei de schipper en hij smeet zijne vrouw overboord.

Every little helps to lighten the freight, said the captain, as he threw his wife overboard.

«بار کشتی را به هر نحوی سبک باید کنیم.»
ناخدا وقتی عیالش را به آب انداخت گفت.

Alle dagen een draadje is een hemdsmouw in het jaar.

Every day a thread makes a skein in the year.

با همین رشتن روزی یک نخ
تا سر سال کلافی داری.

Alle dingen hebben een einde behalve God.

Everything has an end excepting God.

هرچه پایان وی اندر جایی است
جز خداوند که استثنایی است.

Allemans vriend, is allemans gek.

Every man's friend, is every man's fool.

اسکل خلق جهان است هر آن‌کس که رفیق همگان است.

Alle waarom heeft zijn daarom.

Every why has its wherefore.

هر چرایی صاحب زیرایی است.

Als apen hoog willen klimmen, ziet men hun naakte billen.
When apes climb high, they show their naked rumps.

هر زمان بوزینه بالا می‌رود
کون لخت او هویدا می‌شود.

Als de armoede de deur binnenkomt, vliegt de liefde het venster uit.
Where poverty comes in at the door, love flies out at the window.

تا که از در فقر وارد می‌شود
عاشقی از پنجره درمی‌رود.

Als de buik zat is, is 't harte vrolijk.
When the stomach is full the heart is glad.

معده وقتی پر بُود، دل سرخوش است.

Als de ezel te wel is, soo gaat hij op 't ÿs danssen.
When the ass is too happy he begins dancing on the ice.

کیف خر وقتی که کوک کوک شد
روی یخ می‌رقصد آن خر خودبه‌خود.

Als de herder doolt, doolen de schapen.
When the shepherd strays, the sheep stray.

تا که از راه به در شد چوپان
گله از راه به در خواهد شد.

Als de kat van huis is, dan hebben de muizen bruis.
When the cat's away, it is jubilee with the mice.

گربه وقتی که از این‌جا غایب است
موقع جشن و سرور موش‌هاست.

Als de wijn ingaat, gaat de wijsheid uit.
When the wine goes in the wit goes out.

باده هنگامی که وارد می‌شود
عقل و هوش فرد بیرون می‌رود.

Als de wolf oud wordt regen hem de kraaijen.
When the wolf grows old the crows ride him.

گرگ آن‌موقعی که پیر شود
زاغ‌ها روی او سوار شوند.

Als de zak vol is, reegt hij zijn oren.
When the sack is full it pricks up its ears.

کیسه وقتی سربه‌سر آکنده است
سیخ می‌گیرد دو گوش خویش را.

Als één schaap over den dam is, volgen de anderen.
When one sheep is over the dam, the rest follow.

یک گوسفند تا ز سر جوی می‌پرد
باقی گله نیز بدان سوی می‌پرد.

Als het God belieft, zoo regent het met alle winden.
When God pleases, it rains with every wind.

وقتی که میل بارش باران کند خدا
باران بیاورند تمامی بادها.

Als hij lang genoeg wacht, wordt de wereld zijn eigendom.
If he waits long enough the world will be his own.

شکیبایی اگر در پیش گیرد
جهان را توی مشت خویش گیرد.

Als men van den wolf spreekt, ziet men weldra zijn staart.
Talk of the wolf and his tail appears.

از گرگ بگو تا که دمش را بینی.

Als niet komt tot iet, zo kent het zich zelf niet.
When nought comes to aught, it does not know itself.

هیچ وقتی که می‌رسد به پخی
خویشتن را به جا نمی‌آرد.

Als 't geluk u tegen lacht, sta dan op de wacht.
When prosperity smiles, beware of its guiles.

اگر لبخند زد بخت دلاویز
ز نیرنگ و فسون او بپرهیز.

Als 't hoofd ziek is, is al ziek.
When the head is sick the whole body is sick.

سر به دردی اگر گرفتار است
همه‌جای بدن در آزار است.

Als 't varken zat is, zoo stoot het de trog om.
When the pig has had a bellyful it upsets the trough.

خوک وقتی خوب خورد و سیر شد
لاوکش را می‌زند چپ می‌کند.

Als 't wel gaat zo is het goet raden.
When things go well it is easy to advise.

هر زمان حال و روز میزان است
پند دادن همیشه آسان است.

Als twee honden vechten om een been, loopt de derde er meê heen.
When two dogs fight for a bone, the third runs away with it.

سر استخوانی دو سگ گرم جنگ
سگ سومی گیرد و جیم‌فنگ.

Als u vijand gaat te rug, maakt hem vrij een gulden brug.
When thine enemy retreateth, make him a golden bridge.

چو دیدی دشمنت گرم گریز است
برای او پلی زرین بنا کن.

Als uws buurmans huis brandt, is 't tijd uit te zien.
When thy neighbour's house is on fire it's time to look about thee.

هر زمان دیدی که فردی از دروهمسایه‌ها
خانه‌اش آتش گرفته، خانهٔ خود را بپا.

Al te goed is buurmans allemans gek.
All too good is every man's fool.

آدمی وقتی سراپا خوبی است
اسکل باقی مردم می‌شود.

Arenden brengen geene duiven voort.
Eagles don't breed doves.

عقابان کبوتر نمی‌پرورند.

Armoede is luiheids loon.
Poverty is the reward of idleness.

پاداش کون‌گشادی فقر است و تنگدستی.

Bedelaars erf ligt in alle landen.

A beggar's estate lies in all lands.

املاک گدا در همهٔ مزرعه‌هاست.

Beloven is een, en woord houden is twee.

Promising is one thing, performing another.

قول چیزی است، عمل چیز دگر.

Beter alleen dan kwalijk verzelt.

Better alone than in bad company.

اگر تنها شوی بی یار و یاور
ز جمع نارفیقان است خوش‌تر.

Beter arm met eere, dan rijk met schande.

Better poor with honour than rich with shame.

فقرِ با عزت و شرف خوش‌تر
از غنایی که هست ننگ‌آور.

Beter arm te land, dan rijk op zee.

Better poor on land than rich at sea.

روی خشکی گر تو باشی تنگدست
از غنای توی دریا بهتر است.

Beter een been gebroken dan de hals.

Better a leg broken than the neck.

به که پایت بشکند تا گردنت.

Beter een blind paard, dan een leege halter.

Better a blind horse than an empty halter.

یک اسب کور بهتر از افسار خالی است.

Beter eene vogel in de hand dan tien in de lucht.

Better a bird in the hand than ten in the air.

یک پرنده توی دستان شما
بهتر است از ده پرنده در هوا.

Beter een hond te vriend dan te vijand.

Better have a dog for your friend than your enemy.

به که یک سگ دوستت باشد، نه این‌که دشمنت.

Beter laat dan nooit.

Better late than never.

دیرتر از هیچ موقع بهتر است.

Beter scheel dan blind.

Better squinting than blind.

لوچ بودن به ز نابینایی است.

Beter ten halve gekeerd dan ten heele gedwaald.

Better return half way than lose yourself.

بازگشتن از مسیری اشتباه
بهتر است از گم شدن در بین راه.

Bij alle feesten dient een zotje.

There is a fool at every feast.

توی هر مهمانی‌ای یک خنگ هست.

Bij de vromen wordt men vroom.

With the good we become good.

در کنار نیکمردان نیکمردی می‌شویم.

Bij nacht zijn alle katten graauw.

By night all cats are grey.

شب‌ها تمام گربه‌ها خاکستری هستند.

Blaffende honden bijten niet.

Barking dogs don't bite.

سگی که واغواغی می‌کند گازت نمی‌گیرد.

Boomen die men veel verplant gedijen zelden.

Trees often transplanted seldom prosper.

درختی که این‌جا به آن‌جا شود
محال است روزی شکوفا شود.

Borgen maakt zorgen.
Borrowing brings care.

قرض کردن استرس می‌آورد.

Dat gij wilt alleen weten, zeg het niemand.
Tell no one what you would have known only to yourself.

آنچه را خواهی که تنها خود بدانی
به که در گوش کسی دیگر نخوانی.

De afwezigen krijgen altijd de schuld.
The absent always bear the blame.

غایبان همواره بار سرزنش را می‌کشند.

De beste mest op den akker is des meesters oog en voet.
The master's eye and foot are the best manure for the field.

بهترین نوع کود بهر زمین
چشم و پای جناب ارباب است.

De druiven zijn zuur, sprak de vos, maar hij kon er niet bij.
The grapes are sour, said the fox, when he could not get at them.

«انگورها ترش‌اند.»
این گفتهٔ روباه بود
آن‌موقعی که دستش از انگورها کوتاه بود.

De eene kraai bijt den andere geen oogen uit.
One crow does not peck out another's eyes.

یک زاغ چشم زاغ دگر را نمی‌کند.

De eerambten veranderen de zeden.
Honours change manners.

چو جاه و مقام تو افزون شود
خصالت به‌کلی دگرگون شود.

De ezel en de drijver denken niet eveneens.
The ass and the driver never think alike.

خره و خرسواره هیچ زمون
مثل هم نیست فکر تو سرشون.

De geleerdsten zijn de wijsten niet.
The most learned are not the wisest.

در هر زمان بزرگ‌ترین عالمان دهر
عاقل‌ترینِ مردم عالم نمی‌شوند.

De goede betaler is meester van eens anders beurs.
He who pays well is master of another's purse.

هر کسی خوش‌حساب می‌باشد
صاحب کیف پول دیگری است.

De kap maakt de monnik niet.
It is not the cowl that makes the friar.

این ردا نیست که راهب سازد.

De kleederen maken den man.
Clothes make the man.

مرد را جامهٔ او می‌سازد.

De koe weet niet waar haar de staart toe dient, voor dat zij die kwijt is.
The cow does not know the value of her tail till she has lost it.

گاوه اون‌وقتی که دمّش دیگه نیست
قدر دمّو تازه می‌فهمه که چیست.

De liefde begint eerst met zich zelven.
Charity begins at home.

از خانه کار خیر تو آغاز می‌شود.

De mensch wikt, maar God beschikt.
Man proposes, God disposes.

مرد نیت می‌کند، اما خدا
می‌زند بر هم تمام نقشه را.

De monnik preekte dat men niet stelen mogt, en hij zelf had de gans in zijne schapperade.
The monk preached against stealing, and had the goose in his larder.

مرد راهب موعظه بر ضد دزدی می‌نمود
لیک در پستوی خود یک غاز پنهان کرده بود.

Den behoeftige is de schaamte onnut.
Bashfulness is of no use to the needy.

از برای مردمان تنگدست
شرمشان حاشا که کاری کرده است.

Den rook ontvlugtende valt hij in 't vuur.
Escaping from the smoke he falls into the fire.

از دود گریزد و در آتش افتد.

De oogen zijn groter dan de buik.
The eyes are bigger than the belly.

چشم‌ها از شکم بزرگ‌ترند.

De open deur roept den dief.
The open door invites the thief.

آن دری که باز باشد دزد را دعوت کند.

De pot verwijt den ketel, dat hij zwart is.
The pot upbraids the kettle that it is black.

به کتری دیگ می‌گوید سیاهی.

Der bedelaren hand is eene bodemlooze mand.
A beggar's hand is a bottomless basket.

دست گدا یک سبد بی‌ته است.

De schoone veêren maaken den schoonen vogel.
Fine feathers make fine birds.

پروبال قشنگ و باب پسند
مرغ‌های قشنگ می‌سازند.

De tijd die voorbij is en komt niet weer.
Time past never returns.

زمان گذشته دگر برنگردد.

De tijd gaat, de dood komt.
Time goes, death comes.

زمان می‌رود، مرگ سر می‌رسد.

Deugd bestaat in de daad.

Virtue consists in action.

فضیلت در عمل رخ می‌نماید.

De uitkomst zal het leeren.

The proof of the pudding is in the eating.

مدرک و برهان شیرینی
را زمان خوردنش بینی.

De woorden zijn goed, zei de wolf, maar ik kom in 't dorp niet.

The words are fair, said the wolf, but I will not come into the village.

گرگ گفت: «این گفتار خوب و عالی است از دم
بنده مطلقاً اما توی ده نمی‌آیم.»

De ziekten komen te paard, en gaan te voet weêr heen.

Sickness comes on horseback and departs on foot.

یک مریضی سواره می‌آید
لیک پای پیاده خواهد رفت.

De zotten maken de feesten en de wijzen hebben de geneugten.

Fools make feasts and wise men eat them.

میهمانی می‌دهند آنان که گاگول و خرند
عاقلان هم می‌خورند و حال آن را می‌برند.

Die bij kreupelen woont, leert hinken.

He that lives with cripples learns to limp.

با چلاقان زندگی وقتی کند آقا
یاد گیرد لنگ‌لنگان راه رفتن را.

Die de honig wil uithalen moet het steken der bijen ondergaan.

He who would gather honey must brave the sting of bees.

باید آن‌کس که طالب عسل است
نیش زنبور را به جان بخرد.

Die de kern wil hebben moet de dop kraken.

He that would have the kernel must crack the shell.

او که میل مغز گردو می‌کند
باید اول پوستش را بشکند.

Die een kwaad wijf heeft, diens hel begint op d'aarde.
Who has a bad wife, his hell begins on earth.

مرد اگر افتاده در دست عیالی بد
دوزخش از این جهان آغاز می‌گردد.

Die eens steelt is altijd een dief.
Once a thief, always a thief.

تا ابد یک دزد ماند آن مرد
کو فقط یک بار دزدی کرد.

Die eerst komt, die eerst maalt.
Who comes first, grinds first.

هر کس اول به آسیاب آید
غله‌اش اول آرد خواهد شد.

Die eieren hebben wil, moet der hennen kakelen lijden.
He that will have eggs, must bear with cackling.

طالب تخم‌مرغ می‌باید
طاقت آرد صدای قدقد را.

Die geboren is om te hangen, behoeft geen vrees te hebben van verdrinken.
He that's born to be hanged will never be drowned.

هر کسی تقدیر او مرگی است بر بالای دار
غرق در آبی نخواهد بود در پایان کار.

Die goede dagen moede is, die neme een wijf.
Whoso is tired of happy days, let him take a wife.

بگذارید که زن گیرد او
گر خوشی زیر دل او زده است.

Die het geluk heeft leidt de bruid ter kerk.
He that has the luck leads the bride to church.

عروس را به کلیسا همان‌کسی ببرد
که شانس دارد و اقبال او همایون است.

Die het in het vuur verloren heeft, moet het in de asch zoeken.

What is lost in the fire must be sought in the ashes.

توی آتش آنچه را گم کرده باشد فرد

توی خاکستر باید جست‌وجویش کرد.

Die in een kwaad gerucht komt, is half gehangen.

He that hath an ill name is half hanged.

چو رسوایی به نام مرد پیوست

وی اندر نیمه‌های راه دار است.

Die kan lijden en verdragen, vind zijn vijand voor zijn voeten geslagen.

He that can be patient finds his foe at his feet.

گر صبورانه تواند اندکی بنشیند او

دشمنش را زیر پای خویشتن می‌بیند او.

Die komt ongeroepen gaat weg ongedankt.

He that comes unbidden goes unthanked.

او که بی‌دعوت بیاید بی‌تشکر می‌رود.

Die kruipt en valt niet.

He that creepeth falleth not.

کسی که می‌خزد هرگز نیفتد.

Die laag blijft kan niet hard vallen.

He that abideth low cannot fall hard.

هر کسی جای اوست در پایین

نکند یک سقوط بس سنگین.

Die maar een oog heeft bewaar dat wel.

He that hath but one eye must be afraid to lose it.

مرد یک‌چشم باید که مراقب بشود

تا مبادا که همان نیز ز دستش برود.

Die niet te raden is, is niet te helpen.

He that will not be counselled cannot be helped.

آن‌کس که هیچ پند نخواهد ز کس شنود

حاشا اگر به وی بتوانی کمک نمود.

Die op borg geeft, verliest zijn goed en zijn vriend.
Who ventures to lend, loses money and friend.

او که قرضی بدهد پول و رفیقش رفته.

Die te veel onderneemt, slaagt zelden.
Who undertakes too much, succeeds but little.

هرکه خیلی کار را با هم تقبل کرده است
اندکی زان را سرانجام او به سر آورده است.

Die van verre komt heeft goed liegen.
They who come from afar have leave to lie.

آنان که به دوردست ره می‌پویند
البته مجازند دروغی گویند.

Die veel dienstboden heeft, die heeft veel dieven.
Who has many servants has many thieves.

هر کسی مستخدمانش خیلی‌اند
دزدهای خان‌ومانش خیلی‌اند.

Die voor de bladeren bang is, moet niet in het bosch gaan.
He who is afraid of leaves must not go into the wood.

ز هر برگ اگر می‌هراسد طرف
نباید قدم توی جنگل نهد.

Die voor een ander borg blijft, betaalt voor hem.
He who is surety for another, pays for him.

ضامن یک فرد دیگر هرکه بود
جای او پرداخت هم خواهد نمود.

Die vuur begeert, die zoek ’t in de assche.
Who wants fire, let him look for it in the ashes.

آدم جویای آتش را بگو
زیر خاکستر نماید جست‌وجو.

Die vuur wil hebben moet de rook lijden.
He that will have fire must bear with smoke.

طالب آتش اگر فردی بود
باید البته بسازد با دود.

Die wel bemind kastijdt zijn kind.
He that loves his child chastises him.

مهر فرزند چو مردی دارد
گاهی او را کتکی خواهد زد.

Die zijn gat brand, moet op de blaêren zitten.
He who burns his posteriors must sit on blisters.

او که کون خویش را سوزانده است
روی تاول‌هاش می‌باید نشست.

Distels en doornen steken zeer, maar kwade tongen nog veel meer.
Thistles and thorns prick sore, but evil tongues prick more.

نیش خار و گزنه بس دردآور است
لیک نیش بدزبانی بدتر است.

Dochters moeten wel gezien maar niet gehoord worden.
Daughters may be seen but not heard.

دخترا رو دید می‌شه زد، ولی
حرف‌هاشونو نمی‌شه گوش کرد.

Dochters zijn broze waren.
Daughters are brittle ware.

دخترک‌ها شکستنی هستند.

Drie vrouwen en eene gans maken eene markt.
Three women and a goose make a market.

سه زن و یک غاز یک بازار برپا می‌کنند.

Dwalen is menschelijk.
To err is human.

آدمیزاد همان سهو و خطاست.

Dwazen zijn vrij in alle landen.
Fools are free everywhere.

ابلهان در همه‌جا آزادند.

Een aap blijft een aap, al draagt hij een gouden ring.
An ape's an ape, though he wear a gold ring.

با یکی انگشتر زرین به دست
باز هم بوزینه یک بوزینه است.

Een arbeider is zijn' loon waardig.
The workman is worthy of his hire.

اوستا لایق مزد خودش است.

Een diamant van eene dochter wordt een glas van eene vrouw.
A diamond of a daughter becomes a glass of a wife.

دختری که ز جنس الماس است
یک زن از جنس شیشه خواهد شد.

Een dwaas en zijn geld zijn haast gescheiden.
A fool and his money are soon parted.

احمق و پولش سریع از هم جدا خواهند شد.

Eene barmhartige moeder maakt eene schurftige dochter.
An indulgent mother makes a sluttish daughter.

مادری که رئوف و دلرحم است
دخترش را شلخته خواهد کرد.

Eene bedroefde bruid maakt eene blijde vrouw.
A sad bride makes a glad wife.

نوعروس غصه‌داری همسر شادی شود.

Een eerlijk man's woord is zijn zegel.
An honest man's word is his bond.

حرف یک آدم صادق سند است.

Een eij scheeren.
To shave an egg.

پشم‌های تخم‌مرغی را زدن.

Een enkele bontekraai maakt geen winter.
One crow does not make a winter.

با یک کلاغ فصل زمستان نمی‌شود.

Een ezel stoot zich geen tweemaal aan een' steen.
An ass does not hit himself twice against the same stone.

هرگز خری دو بار به سنگی نمی‌خورد.

Een gebrand kind vreest het vuur.
A burnt child dreads the fire.

بچه گر دست به آتش زده و سوخته است
وحشت از شعلهٔ آتش را آموخته است.

Een geëdelde boer kent zijn vader niet.
An ennobled peasant does not know his own father.

یک دهاتی همین که شد ارباب
پدرش را به جا نمی‌آرد.

Een gek spreekt wel eens wijs woord.
A fool may chance to say a wise thing.

گاهگاهی کس‌مشنگی بی‌خرد
حرف خوب و عاقلانه می‌زند.

Een goed begin is half voltooid.
Well begun is half done.

کار را خوب اگر شروع کنی
گوییا نصف آن تمام شده.

Een goede naam is beter dan olij.
A good name is better than riches.

نام نیک از مال و ثروت بهتر است.

Een goed paard is zijn voeder waard.
A good horse is worth his fodder.

یک اسب خوب لایق کاه و جو خود است.

Een goed vriend is beter dan zilver en goud.
A good friend is better than silver and gold.

یک دوست خوب بهتر از سیم و زر است.

Een groot boek, een groot kwaad.

A great book is a great evil.

کتاب بزرگی بلای بزرگی است.

Een haan is stout op zijn eigen erf.

A cock is valiant on his own dunghill.

هر خروسی روی تل فضله‌اش پرجرئت است.

Een hongerige buik heeft geen' ooren.

A hungry belly has no ears.

یک شکم گرسنه را گوش سخن‌شنو کجاست.

Een houdaar is beter dan twee gij zult het hebben.

One Take-this is better than two You-shall-haves.

یک «بگیرش» از دو «باید داشته باشی» سر است.

Een ieder is meester in zijn eigen huis.

Every man is master in his own house.

هر مرد درون خانه‌اش ارباب است.

Een ieder is prediker onder de galg.

Every one is a preacher under the gallows.

هر کسی زیر طناب دار واعظ می‌شود.

Een jong ooi en een onde ram, daar komt jaarlijks een lam van.

A young ewe and an old ram, every year bring forth a lamb.

میش جوان و قوچ پیر
هر سال یک بره بگیر.

Een kat kijkt wel een' keizer aan.

A cat may look at a king.

گربه‌ای شاید به شاهی بنگرد.

Een maal is geen gewoonte.

Once is no custom.

یک مرتبه سنتی نباشد.

Een man zonder geld is een schip zonder zeilen.

A man without money is like a ship without sails.

آدم بی‌پول همچون کشتی بی‌بادبان است.

Een mans moer is de duivel op den vloer.

The husband's mother is the wife's devil.

شیطان عروس مادر شوهر اوست.

Een oud muilezel met een vergulde toom.

An old mule with a golden bridle.

قاطری پیر و لگامی زرین.

Een rollende steen neemt geen mos mede.

A rolling stone gathers no moss.

سنگی که بغلتد خزه بر وی ننشیند.

Één rotte appel in de mande, maakt al de gave fruit te schande.

One rotten apple in the basket infects the whole.

سیب گندیده‌ای درون سبد
سیب‌ها را به‌کل به گند کشد.

Één schacht is beter in de hand dan zeven ganzen op het strand.

One quill is better in the hand than seven geese upon the strand.

یک پر غاز توی پنجهٔ ما
بهتر از هفت غاز در دریا.

Een schurft hoofd ontziet de kam.

A scabby head fears the comb.

یک سر گر ز شانه می‌ترسد.

Een verlopen monnik zeide nooit goed van zijn convent.

A runaway monk never speaks well of his convent.

بی‌گمان راهبِ از صومعه بگریخته‌ای
هرگز از صومعهٔ خویش ستایش نکند.

Een vriend achter den rug is eene vaste brug.

A friend at one's back is a safe bridge.

دوستی پشت سرت مثل پلی مطمئن است.

Een vriend in nood, is een vriend in der daad.
A friend in need is a friend indeed.

دوست راستین هر کس اوست
که زمان نیاز باشد دوست.

Een vriend is beter dan geld in de beurs.
A friend is better than money in the purse.

یک دوست به از پول درون جیب است.

Een wolf hapt noch na 't schaap als hem de ziele uit gaat.
A wolf hankers after sheep even at his last gasp.

گرگ حتی در آخرین نفسش
گوسفند است خوش‌ترین هوسش.

Een zacht antwoord stilt den toorn.
A soft answer turneth away wrath.

خشم را پاسخ آرام تو برگرداند.

Eer het gras gewassert is, is de hengst dood.
While the grass grows the steed starves.

تا علف توی دشت سبز بشه
اسبه باید گرسنگی بکشه.

Effen is kwaad passen.
It is hard to please every one.

جلب رضایت همه دشوار کاری است.

Eigen haard is goud waard.
One's own hearth is worth gold.

اجاق خانهٔ خود قیمت طلا دارد.

Elk is een dief in zijne nering.
Every one is a thief in his own craft.

هرکه در حرفهٔ خود یک دزد است.

Elk waant dat zijn uil een valk is.
Every man thinks his own owl a falcon.

جغد خود را هر کسی یک قوش می‌بیند.

Elk zijns gelijk, 't zij arm of rijk.
Like will to like, be they poor or rich.

هر چیز به سوی مثل خویش است روان
فارغ ز تهیدستی و دارایی آن.

Eendragt maakt magt.
Union is strength.

متحد بودن توانایی بُود.

Er is hulp voor alles, behalve voor den dood.
There is a remedy for all things save death.

به‌جز مرگ، هر چیز را چاره‌ای است.

Gedwongen liefde vergaat haast.
Forced love does not last.

عشق اگر زورزورکی باشد
عمر آن عمر اندکی باشد.

Geef een' ezel haver, hij loopt tot de distels.
Give an ass oats and he runs after thistles.

به خری جو بده، ولی باز او
در پی خار می‌دود هر سو.

Geen beter meesters dan armoede en nood.
No better masters than poverty and want.

بهتر از فقر و نیاز ارباب نیست.

Geene roozen zonder doornen.
No roses without thorns.

به هیچ جا گل سرخی بدون خار نباشد.

Geen geluk zonder druk.
There is no joy without alloy.

هیچ جا سرخوشی‌ای نیست، مگر
در وی از غل‌وغشی هست اثر.

Geen koorn zonder kaf.
No corn without chaff.

غله‌ای نیست که بی‌کاه بُود.

Gehuurde paarden maken korte mijlen.
Hired horses make short miles.

اسب‌هایی که کرایه کرده‌ای
مایل‌ها را خوب کوته می‌کنند.

Geld beheert de wereld.
Money rules the world.

پول بر دنیا حکومت می‌کند.

Geluk en glas breekt even ras.
Fortune and glass break soon.

شانس و شیشه سریع می‌شکنند.

Gemeen goed, geen goed.
Common goods, no goods.

مال عمومی ابداً مال نیست.

Genoeg is even zoo goed als een feest.
Enough is as good as a feast.

کافی به همان خوبی یک سورچرانی است.

Genoeg is meer dan overvloed.
Enough is better than too much.

کافی از خیلی زیادی بهتر است.

Gewoonte wordt eene tweede natuur.
Custom is second nature.

رسم و سنت طبیعت ثانی است.

Gij hebt den dans begonnen, en kunt de muziek betalen.
As you began the dance you may pay the music.

خود را به میان رقص وقتی که دراندازی
تو اجرت مطرب را باید که بپردازی.

Goede boom, goede vrucht.
Good tree, good fruit.

درخت نکو میوه‌اش هم نکوست.

Goede dingen moeten tijd hebben.
Good things require time.

هرچه نیکوست زمانبر باشد.

Goeden moed in tegenspoed.
A stout heart tempers adversity.

قلب سرسخت و ستبر مرد
بخت بد را رام خواهد کرد.

Goede wijn behoeft geen krans.
Good wine needs no bush.
شراب خوب نیازی به عکس بوته ندارد. (از قدیم رسم بوده که بر سردر میکده‌ها و روی بطری‌های شراب نقش بوتهٔ پیچک می‌نگاشته‌اند. پیچک گیاه محبوب باکوس Bacchus خدای شراب یونانیان و رومیان باستان بوده است.)

Gramschap is een korte dolligheid.
Anger is a short madness.

خشم دیوانگی کوتاهی است.

Groot goed, groot zorg.
Great wealth, great care.

ثروت بسیار و تشویش زیاد.

Groot-sprekers zijn geene groot-daders.
Great talkers are little doers.

هر کسی بسیار وراجی کند
کار و کردارش همیشه کم‌تر است.

Haast getrouwd, lang berouwd.
Marry in haste and repent at leisure.

با شتابی زن بگیرید و سر فرصت پشیمانی کشید.

Haast verkwist.
Haste makes waste.

عجله باعث اسراف شود.

Het beste goed is de beste koop.
The best goods are the cheapest.

بهترینِ جنس‌ها ارزان‌ترینِ جنس‌هاست.

Het beste paard struikelt wel eens.
The best horse stumbles sometimes.

بهترین اسب بسا گهگاهی
پای او لیز خورد در راهی.

Het eene kwaad brengt het andere mede.
One misfortune brings on another.

هر مصیبت دیگری را در پی‌اش می‌آورد.

Het einde kroont het werk.
The end crowns all.

پایان کار روی سرش تاج می‌نهد.

Het einde van de vrolijkheid is het begin van de treurigheid.
The end of mirth is the beginning of sorrow.

پایان شادی اول اندوه آدم است.

Het eindje is de dood.
The end of all things is death.

مرگ پایان تمام چیزهاست.

Het end goed, alles goed.
All's well that ends well.

هرچه پایانش نکو باشد سراسر نیکی است.

Het geld is de zenuw des oorlogs.
Money is the sinew of war.

سرچشمهٔ عشق و جنگ پول است.

Het geluk is rond; den eenen maakt het koning den anderen stront.
Fortune is round; it makes one a king, another a dunghill.

بخت می‌گردد چنان نقاله‌ای
یک نفر را پادشاهی می‌کند
دیگری را کپهٔ تاپاله‌ای.

Het geluk staat niet stil voor iemands deur.
Fortune does not stand waiting at any one's door.

بخت خوش پشت در هیچ کسی
مدتی دیر معطل نشود.

Het herte en liegt niet.
The heart does not lie.

دل دروغی به ما نمی‌گوید.

Het is alles niet goud wat er blinkt.
All is not gold that glitters.

هر درخشنده‌ای طلا نبُود.

Het is best te vrijen, daar men de rook kan zien.
'Tis best woo where a man can see the smoke.

بهترین خواستگاری آن‌جاست
که در آن دود اجاقی پیداست.

Het is beter hard geblazen dan de mond gebrand.
It is better to blow than burn your mouth.

فوت کردن بهتر از آنی
که دهانت را بسوزانی.

Het is beter te bedelen dan te stelen.
Better beg than steal.

گدایی کنی بهتر از دزدی است.

Het is den eenen bedelaar leed, dat de andere voor de deur staat.
It is a grief to one beggar that another stands at the door.

مایهٔ ماتم یک مرد گداست
که گدای دگری بر در ماست.

Het is den moriaan geschuurd.
To wash a blackamoor white.

سفید کردن کاکاسیاه با شستن.

Het is een wijs kind dat zijn vader kent.
'Tis a wise child that knows its own father.

بچهٔ عاقلی است او که بداند پدرش کیست.

Het is eene lange laan, die geen' draai heeft.
It's a long lane that has no turning.

کوچهٔ دور و درازی است
که در او پیچ و خمی نیست. (= در نومیدی بسی امید است.)

Het is genoegelijk te zien regenen, als men in den drooge staat.
It's pleasant to look on the rain, when one stands dry.

تماشای باران خوش آید بسی
اگر زیر باران نباشد کسی.

Het is God, die geneest en de dokter trekt het geld.
God cures, and the doctor gets the money.

گرچه بیمارا شفاشون از خداست
حق ویزیتش برای دکتراست.

Het is goed dat kwade koeijen korte horens hebben.
'Tis well that wicked cows have short horns.

شاخ‌های گاوهای تخس و پست
اندکی کوتاه باشد بهتر است.

Het is goed snijden riemen uit eens andermans leer.
It is easy to cut thongs from other men's leather.

ز چرم دیگری تسمه بریدن
همیشه هست مثل آبِ خوردن.

Het is goedt feest houden op een anders zaal.
It's good feasting in another's hall.

بزم در تالار فرد دیگری
هست کار خوب و شادی‌آوری.

Het is goed warmen by een anders vuur.
It is good to warm oneself by another's fire.

خویش را با آتش آن دیگری
گرم کردن هست کار خوش‌تری.

Het is kwaad bij duister eene speld te vinden.
It is hard to find a pin in the dark.

جستن یک سوزن اندر شام تاری مشکل است.

Het is kwaad kammen daar geen haar is.
It's bad combing where there is no hair.

شانه بر یک سر بی‌موی خطاست.

Het is kwaad stelen waar de waard zelf een dief is.
It is hard to steal where the host is a thief.

میزبان وقتی خودش طراری است
دزدی از وی کار بس دشواری است.

Het is te laat gespaard, als het vat ten einde gaat.
'Tis too late to spare when the cask is bare.

زمان پس‌انداز آن‌وقت نیست
که دیگر چلیکت به‌کلی تهی است.

Het komt ten lesten aan den dag, wat in de sneeuw verholen lag.
What lay hidden under the snow cometh to light at last.

آنچه که در برف نهان می‌شود
عاقبت‌الامر عیان می‌شود.

Het oog van den meester maakt de paarden vet, en dat van het vrouwtje de kamers net.
The eye of the master makes the horse fat, and that of the mistress the chambers neat.

چشم ارباب اسب را فربه کند
چشم خانم خانه را پاک و تمیز.

Het zijn niet alle vrienden die eenen toelachen.
All are not friends who smile on you.

هرکه در رویت بخندد دوست نیست.

Hij heeft den bijbel wel in den mond, maar niet in het hart.
He has the Bible on his lips, but not in his heart.

انجیل بر لبان وی است و نه در دلش.

Hij is een extract van schurken.
He is an essence of scoundrels.

عصارهٔ همهٔ رذل‌های بی‌شرف است.

Hij is wel edel, die edele werken doet.
He is noble who performs noble deeds.

هرکه کار و عمل او نیکوست
آدم خوب و شرافتمند اوست.

Hij is zoo arm als Job.
He is as poor as Job.

به تهیدستی ایوب نبی است.

Hij kan geen ei leggen, maar hij kan kakelen.
He cannot lay eggs, but he can cackle.

نتواند که تخم بگذارد
قدرت قدقد البته دارد.

Hij moet vroeg op staan die alle man believen wil.
He must rise betimes who would please everybody.

او که خواهد همه را راضی کرد
باید او صبح سحر برخیزد.

Hij telt zijne kiekens, eer de eijers gelegd zijn.
He counts his chickens before they are hatched.

می‌شمارد جوجه‌های خویش را
پیش از آن کز تخمشان خارج شوند.

Hij wacht lang, die naar eens anders dood wacht.
He waits long that waits for another man's death.

کسی که منتظر مرگ دیگری بنشست
چه انتظار درازی در انتظار وی است.

Hoe meerder dienstboden hoe slechter dienst.
The more servants the worse service.

هرچه نوکر بیش‌تر، خدمت نمودن بدتر است.

Hoe meerder haast, hoe minder spoed.

The more haste, the less speed.

هرچه شتاب بیش‌تر، سرعت کار کم‌تر است.

Hoe meer men de stront roert, hoe meer ze stinkt.

The more you stir a turd, the more it stinks.

هرچه گه را بیش‌تر هم می‌زنی
بوی گند آن فزون‌تر می‌شود.

Hoe schurfter schaap, hoe harder geblaat.

The scabbier the sheep the harder it bleats.

گوسفندی هرچه گرتر، بع‌بع او بیش‌تر.

Hoe slimmer wiel, hoe meer het kraakt.

The worse the wheel, the more it creaks.

چرخ گاری هرچه بدتر، غیژغیژش بیش‌تر.

Hooge boomen geven meer schaduuw dan vruchten.

High trees give more shadow than fruit.

آن درختان که بزرگ‌اند و بلند
سایه‌شان از برشان بیش‌تر است.

Honger is de beste saus.

Hunger is the best sauce.

بهترین سس گرسنگی باشد.

Hooren zeggen is half gelogen.

Hearsay is half lies.

شایعه نیمه‌دروغین باشد.

Ieder zot heeft zijn zotskap.

To every fool his cap.

برای هر ابله کلاه خودش.

In den nood leert men zijne vrienden kennen.

Friends are known in time of need.

دوستان را در زمان احتیاج می‌شناسی.

In het land der blinden is een-oog koning.
In the land of the blind the one-eyed is a king.

در مملکت کوران
یک‌چشم بُود سلطان.

In troebel water is't goed visschen.
It is good fishing in troubled waters.

توی آن رود که آرام نبود
ماهی خوب توان صید نمود.

Is de eene traag, de ander is graag.
If one won't another will.

یک نفر گر نکند، آن دگری خواهد کرد.

Kasteelen in de lucht bouwen.
To build castles in the air.

کاخ‌هایی در هوا پی ریختن.

Koopt geen kat in een zak.
Don't buy a cat in a sack.

گربه‌ای را توی یک گونی نخر.

Kraauwt mij, en ik kraauw dij.
Claw me, and I'll claw thee.

بخاران مرا تا بخارانمت.

Kwaad kruid wast wel.
Ill weeds grow apace.

علف هرز زود می‌روید.

Kwalijk begonnen, kwalijk geslaagd.
Ill begun, ill done.

بد آغاز گشت و بد انجام یافت.

Langzamerhand volbouwt de vogel zijn nest.
By slow degrees the bird builds his nest.

مرغکی آشیانهٔ خود را
اندک اندک نماید او برپا.

Ledige vaten brommen het meest.

Empty vessels make the most sound.

صدای ظرف و ظروف تهی بلندتر است.

Ligt gekomen, ligt gegaan.

Lightly come, lightly gone.

آنچه آسان آید آسان می‌رود.

Ligt gewin maakt zware beurzen.

Light gains make a heavy purse.

صرفه و سود سبک در انتها
می‌کند سنگین دو جیب مرد را.

Luiheid is de aanvang van alle ondeugd.

Sloth is the beginning of vice.

تن‌پروری مقدمهٔ زشتکاری است.

Lust maakt den arbeid ligt.

Love makes labour light.

عشق کار سخت را آسان کند.

Magere vlooijen bijten scherp.

Hungry flies bite sore.

پشه‌های گرسنه بدجوری
نیش خود را به تن فرو بکنند.

Men kan ligt een stok vinden, als men den hond wil slaan.

It is easy to find a stick to beat a dog.

ترکه‌ای یافت می‌شود آسان
تا سگی را کتک زنی با آن.

Men moet alle zijne eijeren niet in ééne mand doen.

Put not all your eggs into one basket.

همهٔ تخم‌مرغ‌هایت را
داخل یک سبد قرار نده.

Men moet leven en laten leven.
Live, and let live.

تو زندگی کن و بگذار زندگی بکنند
(= به کار خویش بپرداز و دردسر متراش
مزاحم دگران هم به هیچ روی مباش).

Men moet de ploeg niet voor de paarden spannen.
Don't yoke the plough before the horses.

خیش خود را جلوی اسب نبند.

Met al te veel kakelens, wordt de waarheid verloren.
Truth is lost with too much debating.

در دل یک بحث زیاد و شدید
گشت حقیقت ز نظر شد ناپدید.

Metter tijt bijt de muis een kabel in stukken.
In time a mouse will gnaw through a cable.

موش اگر فرصت کند زنجیر را
می‌جود تا از وسط نصفش کند.

Na het zuure komt het zoet.
After the sour comes the sweet.

پس از هر تلخ شیرینی بیاید.

Na regen komt zonneschijn.
After rain comes sunshine.

هر زمان باران به پایان می‌رسد
نوبت خورشید تابان می‌رسد.

Neemt nooit bij de hand dat u hier na mocht rouwen.
Take nothing in hand that may bring repentance.

توی دستت نگیر چیزی را
که پشیمانی آورد چه بسا.

Niemand is wijs in zijn eigen zaak.
No one is wise in his own affairs.

هیچ فردی در امور خویشتن
آدمی عاقل نباشد مطلقاً.

Niemand's lief is lelijk.
Nobody's sweetheart is ugly.

هیچ‌کس نیست که معشوقهٔ او زشت بُود.

Niet doen, leert kwaad doen.
To do nothing teacheth to do evil.

با همین کاری نکردن‌هایمان
یاد می‌گیریم کار بد کنیم.

Nog beter is het, verloren arbeid gedaan, dan in ledigheid zich te verliezen.
Better lose your labour than your time in idleness.

به که تو زحمت کشی پوچ و بدون هدف
تا که به بیکارگی وقت نمایی تلف.

Nooit ambtje zoo kleen, of het is beter dan geen.
No office so humble but it is better than nothing.

مقام و منصبی هرقدر هم پست
ولیکن باز هم بهتر ز هیچ است.

Ongelegde eijeren zijn onzekere kuikens.
Unlaid eggs are uncertain chickens.

تخم‌های توی کون مرغ‌ها
جوجه‌های مطمئنی نیستند.

Ook hazen trekken een leeuw bij den baard als hij dood is.
Even hares pull a lion by the beard when he is dead.

شیران نر وقتی بمیرند
خرگوش‌ها هم می‌توانند
تا یال آنان را بگیرند
وین‌سو و آن‌سوشان کشانند.

Oost, west, t'huis best.
East or west, home is best.

چه در شرق دنیا، چه در غرب دنیا
بُود خانهٔ هر کسی بهترین جا.

Oude vossen zijn kwaad te vangen.

Old foxes are hard to catch.

روبهان پیر را مشکل توانی صید کرد.

Praatjes vullen geen gaatjes.

Fine words don't fill the belly.

شکم با حرف‌های چرب و شیرین پر نخواهد شد.

Raad voor daad.

Counsel before action.

پیش از انجام عمل اندرز گیر.

Rijke lui hebben veel vrienden.

The rich have many friends.

دوستان پولداران خیلی‌اند.

Rook, stank, en kwaade wijven zijn die de mans uit de huizen drijven.

Smoke, stench, and a troublesome wife are what drive men from home.

یک زن بدذات و دود و بوی گند
مرد را از خانه‌اش رم می‌دهند.

Schoenmaker, blijf bij u leest.

Shoemaker, stick to your last.

پینه‌دوزا، قالب خود را بچسب.
(= توی کاری که نمی‌فهمی که چیست
خویش را قاطی نمودن خوب نیست.)

Schoone appelen zijn ook wel zuur.

Handsome apples are sometimes sour.

سیب‌های خوش‌آب‌ورنگ و قشنگ
گاهی اوقات طعمشان ترش است.

Slapende honden zal men niet wakker maken.

Wake not a sleeping dog.

سگ خفته‌ای را ز جا برنخیزان.

Snijd uw mantel naar uw laken.

Cut your coat according to your cloth.

کت خود را به قد پارچهٔ خویش ببر.

Spreken is zilver, zwijgen is goud.

Speaking is silver, silence is gold.

سخن نقره است و خموشی طلا.

Strooit geen rozen voor varkens.

Strew no roses before swine.

گل‌های سرخ را جلوی خوک‌ها نریز.

Tusschen lepel en mond, valt het sop te grond.

'Twixt the spoon and the lip, the morsel may slip.

ای بسا بین قاشق و لب‌ها
لقمه سر خورد و رفت از کف ما.

Tusschen twee stoelen valt de aars op de aarde.

Between two stools the breech cometh to the ground.

مابین دو چارپایه باسن
افتد به زمین به نحو احسن. (= از این‌جا رانده و از آن‌جا مانده.)

Twee honden aan een been komen zelden overeen.

Two dogs seldom agree over one bone.

دو تا سگ سر تکه‌ای استخوان
توافق بعید است در بینشان.

Van den nood eene deugd maken.

To make a virtue of necessity.

از ضرورت یک فضیلت ساختن.

Van de vonken brandt 't huis.

From a spark the house is burnt.

خانه‌ای با اخگری آتش گرفت.

Van verre gehaalt en duur gekocht, is eten voor me vrouwen.

Far fetched and dear bought is meat for ladies.

همان جنسی خوراک بانوان است
که هم خیلی عجیب و هم گران است.

Veele handen maaken ligt werk.
Many hands make light work.

دست اگر بسیار باشد کار آسان می‌شود.

Veele woorden vullen geen zak.
Many words don't fill the sack.

یک‌عالمه حرف کیسه را پر نکند.

Veel geschreeuws, en luttel wol.
Great cry and little wool.

بع‌بع بسیار و پشم اندکی.

Veel koks verzouten de brij.
Too many cooks oversalt the porridge.

آشپزها هر زمان خیلی شوند
شوربا را شورتر خواهند کرد.

Veel praats en weinig werks.
Much talk little work.

گفتهٔ بسیار و کار اندکی.

Verdraagt het geen gij door uw eigen schuld lijdt.
Bear patiently that which thou sufferest by thine own fault.

تو مکافات خطای خویش را
با شکیبایی تحمل می‌نما.

Verkoop den huid niet, voor gij den beer hebt gevangen.
Don't sell the skin till you've caught the bear.

پیش از آنی که خرس را گیری
پوستش را به هیچ‌کس نفروش.

Verloren eer, keert nimmermeer.
Honour once lost never returns.

آبرو از دست وقتی رفته است
بار دیگر برنمی‌گردد به دست.

Viel den hemel, daar en bleef geen aarden pot heel.

Were the sky to fall, not an earthen pot would be left whole.

کوزه‌ای سالم نخواهد ماند اگر

آسمان پایین بیفتد سربه‌سر.

Voet voor voet gaat men ver.

Step by step one goes far.

آدمی با یک قدم در یک قدم

راه بس دور و درازی می‌رود.

Voor groote kwalen sterke hulpmiddelen.

For great evils strong remedies.

از برای دردسرهای شدید

دل به رفتاری خشن باید نهید.

Vrienden kost is haast gereed.

A friend's dinner is soon dressed.

ناهار رفیق زود حاضر گردد.

Vroeg of laat komt de waarheid aan den dag.

Sooner or later the truth comes to light.

دیر یا زود حقیقت ز پس پرده درآید.

Waar de dijk het laagst is, loopt het water 't eerst over.

Where the dike is lowest the water first runs over.

از همان‌جایی که سد کوته‌تر است

آب اول از همان‌جا سر رود.

Waar de hegge het laagste is, wil elk er over.

Where the hedge is lowest every one goes over.

می‌پرد هر کس به این‌سوی چپر

هرکجایی باشد آن کوتاه‌تر.

Waar de vlijt de deur uit gaat, komt de armoede het venster in.

When industry goes out of the door, poverty comes in at the window.

سختکوشی و تلاش از در که بیرون می‌رود

تنگدستی از میان پنجره داخل شود.

Waar niet is, verliest de keizer zijn regt.

Where there is nothing, the emperor loses his right.

هرکجایی کلهم چیزی نباشد توی دست

اختیارات جناب شاه از کف رفته است.

Wacht u voor een' man met twee aangezigten.

Beware of the man of two faces.

از مرد دورو حذر نمایید.

Wanneer de wijn is in de man, dan is de wijsheid in de kan.

When the wine is in the man, the wit is in the can.

باده وقتی توی انسان می‌رود

توی قوطی می‌رود هوش و خرد.

Wanneer dieven kijven bekomen vrome lieden hare goederen.

When thieves fall out, honest men come to their goods.

بین دزدان تا که دعوا می‌شود

جنس‌های مردمان باشرف

یک به یک آن بین پیدا می‌شود.

Wapenen, vrouwen, en boeken, behoeven dagelijksche behandeling.

Arms, women, and books should be looked at daily.

سلاح‌ها و زنان و کتاب‌هاتان را

به‌هوش بوده و روزانه وارسی بکنید.

Wat de nuchtere denkt, dat spreekt de dronkaard.

What the sober man thinks, the drunkard tells.

آنچه اندیشهٔ یک هشیار است

می‌نشیند به زبان یک مست.

Water in de zee brengen.

To carry water to the sea.

آب را جانب دریا بردن.

Wat gij den armen geeft, leent gij den Heer.

He who giveth to the poor lendeth to the Lord.

او که به دست فقرا می‌دهد

قرض تو گویی به خدا می‌دهد.

Wat het oog niet en ziet, dat begeert het herte niet.
What the eye sees not, the heart craves not.

آنچه را دیده‌ات نمی‌بیند
هوسش در دل تو ننشیند.

Wat horens heeft wil steken.
What has horns will gore.

هرچه شاخی داشت شاخی می‌زند.

Wat in 't gebeente gegroeid is, wil uit het vleesch niet.
What is bred in the bone won't out of the flesh.

آنچه در استخوان نهاده شده
هرگز از گوشت در نخواهد شد
(= آنچه از والدین ارث بری
نتوانی برون کنی از خود).

Wat van daag onregt is, is morgen geen regt.
What is wrong to-day won't be right to-morrow.

آنچه امروز نادرست و خطاست
همچنین نادرست در فرداست.

Weinig gezegd is haast verbeterd.
The less said the sooner mended.

آدمی هرقدر کم‌تر بر زبان آورد
زودتر رفع‌ورجوعش می‌تواند کرد.

Wie tegen wind spuwt, maakt zijn baard vuil.
Who spits against the wind, fouls his beard.

او که تف رو به باد بنموده
ریش خود را نموده آلوده.

Wie veeltijds spiegelen, zelden spinnen.
They who are often at the looking-glass seldom spin.

آنان که در آیینه زیادی نگرند
کم‌تر سر دوک خویش نخ می‌ریسند.

Wie zich onder den draf mengt, dien eten de zwijnen.

He who mixes himself with the draff will be eaten by the swine.

خوک او را می‌خورد وقتی طرف
با تفاله خویش را قاطی کند.

Wie zijn buren beledigt, maakt het zich zelven daarna zuur.

He who slanders his neighbour makes a rod for himself.

او که تهمت زند به همسایه
ترکه‌ای بهر خویش می‌سازد.

Wij appelen zwemmen, zei de paardenkeutel.

How we apples swim! said the horse-turd.

بر روی آب پشکل اسبی به خویش گفت:
ما جمع سیب‌ها چه شنایی که می‌کنیم!

Wijsheid in mans, geduld in vrouwen, dat kan het huis in ruste houen.

Wisdom in the man, patience in the wife, brings peace to the house, and a happy life.

خرد در شوهر و در زن صبوری
به خانه آورد صلح و سروری.

Zegt ons met wie dat gij verkeert, en heb ik uwen raad geleerd.

Tell me the company you keep, and I'll tell you what you are.

بگو دوست و همدم کیستی
که من هم بگویم که تو چیستی.

Zelfs lief niemands lief.

Self-love, nobody else's love.

خودپرست از عشق هر انسان دیگر عاری است.

Zet u teeringe, na u neeringe.

Set thy expense according to thy trade.

خرج خود را وفق ده با شغل خود.

Zij leven te zamen als honden en katten.

They agree like cats and dogs.

مثل سگ‌ها و گربه‌ها با هم
یک‌دل‌اند و موافق و همدم.

Zijn geld bekleed bij hem de plaats van wijsheid.
His money takes the place of wisdom.

پول یارو جای عقلش را گرفت.

Zoo de gekken geen brood aten, het koren zogoed koop zijn.
If fools ate no bread, corn would be cheap.

گندم ارزان بود اگر که ابلهان
توی عمر خود نمی‌خوردند نان.

Zoo gewonnen, zoo geronnen.
So got, so gone.

آن‌چنان آمده آن‌سان برود.

Zoo gij een gek de vingers bied, 't is vreemd neemt hij de vuisten niet.
Offer a clown your finger, and he'll take your fist.

تعارف کن به یک دلقک یک انگشت
که گیرد او مچت را زود در مشت.

Zoo gij zaait zoo zult gij maaien.
As you sow you shall reap.

تو هر جوری که می‌کاری
بدان‌سان نیز برداری.

Zoo pot, zoo deksel.
Like pot, like cover.

دیگ هر جوری اگر باشد، درش آن‌جوری است.

Zulk begin, zulk einde.
So begun, so done.

آن‌چنان آغاز گشت و این‌چنین پایان گرفت.

Zulke heer, zulke knecht.
Like master, like man.

نوکری مانند ارباب خود است.

Zweegen de dwazen zij waren wijs.
Were fools silent they would pass for wise.

اگر بی‌عقل‌ها ساکت بمانند
علی‌الظاهر شبیه عاقلان‌اند.

دانمارکی

Af Falsk og Svig vorder ingen riig.

Deceit and treachery make no man rich.

فریب و حقه و سالوس‌کاری
نکرده هیچ‌کس را پولداری.

Af liden Gnist kommer ofte stor Ild.

A large fire comes from a small spark.

حریقی از فقط یک اخگر آید.

Af to onde Kaar skal man vælge det bedste.

Of two evils choose the least.

از دو شر آن کم‌ترین را برگزین.

Aldrig er saa gammel en Kiærling, kommer der Ild i hende hun springer jo.

A woman may be ever so old, if she takes fire she will jump.

هر زنی هرقدر هم که سالخورد و پیر شد
هر زمان آتش بگیرد می‌پرد از جای خود.

Aldrig læges Saar saa vel, at Arret jo synes.

A wound never heals so well that the scar cannot be seen.

هیچ زخمی نشود خوب چنان
که نماند اثرش بر تنمان.

Alle see hans bolde Arm, ingen seer hans slunkne Tarm.

Every one sees his smart coat, no one sees his shrunken belly.

هر کس کت شیک خویش را می‌بیند
اما شکم چروک خود را هرگز.

Alle ville længe leve, men Ingen vil gammel hedde.

All wish to live long, but none to be called old.

همگان طالب یک عمر درازند، اما
هیچ‌کس پیر نخواهد که بخوانند او را.

Alt leer folsk Mand, naar Anden leer.

A fool laughs when others laugh.

دگران هر زمان که می‌خندند
آدم کله‌پوک می‌خندد.

Anden Tid giver andet Folk.

Other times, other folk.

زمان‌های دیگر، کسانی دگر.

Arbeide har en bitter Rod, men söd Smag.

Labour has a bitter root, but a sweet taste.

رنج اگر ریشهٔ تلخی دارد
آخرش میوهٔ شیرین آرد.

Arm er den Muus som kun har et Hul.

It is a poor mouse that has but one hole.

موش یک‌سوراخه موشی بی‌نواست.

Armod og Kiærlighed ere onde at dölge.

Love and poverty are hard to conceal.

عاشقی و تنگدستی سخت پنهان می‌شوند.

Arrig Quinde og bidsk Hund vogte Huset.

A cross-grained woman and a snappish dog take care of the house.

یک زن بدخلق و سگی پاچه‌گیر
حافظ امنیت یک خانه‌اند.

At sige Daaren Raad, det er som at slaae Vand paa en Gaas.

To give counsel to a fool is like throwing water on a goose.

نصیحت کردن هر کله‌پوکی
شبیه آب پاشیدن به غازی است.

Ave er god naar hun kommer i Tide.

Correction is good when administered in time.

اصلاح خوش است اگر به‌هنگام
اصلاح امور گیرد انجام.

Bange Hierte vandt aldrig fager Mö.
Faint heart never won fair lady.

دلک دلبرکی زیبا را
مرد بزدل نتواند ببرد.

Barneryg vil böies i Tide.
A child's back must be bent early.

پشت کودک زود باید خم شود.

Barne Sorg varer stakket.
A child's sorrow is short-lived.

عمر اندوه بچه کوتاه است.

Bær Asenet en Guldsæk, det æder dog Tidsel.
Though the ass may carry a sack of gold, it nevertheless feeds on thistles.

گرچه بر پشت خری کیسه‌ای از زر باشد
باز هم خار و خسک روزی آن خر باشد.

Bedre at være fri Fugl end fangen Konge.
Better to be a free bird than a captive king.

یکی مرغک شاد و آزاد و مست
ز یک شاه دربند بودن سر است.

Bedre brænder den vaade Green end den törre Steen.
The wet branch burns better than the dry stone.

شاخه حتی اگر که تر باشد
بهتر از سنگ خشک می‌سوزد.

Bedre een Fugl i Haanden end to paa Taget.
One bird in the hand is better than two on the roof.

یک پرنده فتاده اندر دست
بهتر از دو پرنده بر بام است.

Bedre er aaben Fjende end Hykle-Ven.
Better an open enemy than a false friend.

دشمن یکرو به از یار دوروست.

Bedre er at Verden veed du er en Synder end at Gud veed du er en Hykler.

Better the world should know you as a sinner than God know you as a hypocrite.

اینی که تو را خلق گنهکار بخواند
به زان‌که خداوند ریاکار بداند.

Bedre er Bröd end Fuglesang.

Bread is better than the song of birds.

نان به از نغمهٔ مرغان غزلخوان باشد.

Bedre er den Green der böier, end den der brister.

Better is the branch that bends, than the branch that breaks.

هر زمان طوفان شبیخون می‌زند
شاخه‌ای که پیش آن خم می‌شود
بهتر است از شاخه‌ای که بشکند.

Bedre er et magert Forliig, end en fed Trætte.

A meagre compromise is better than a fat lawsuit.

یک توافق اگرچه معیوب است
بهتر از یک شکایت خوب است.

Bedre er halvt Bröd end Alt mist.

Better half a loaf than none at all.

تکه‌نانی بهتر از بی‌نانی است.

Bedre er heelt end med Guld bödet.

Better whole than patched with gold.

چیز سالم نکوتر از چیزی است
که به زر وصله‌پینه گردیده.

Bedre er lidet Boskab end tomt Huus.

Better a little furniture than an empty house.

اسباب و وسایلی محقر
از خانهٔ خالی است خوش‌تر.

Bedre er selv at have, end Söster at bede.

Better to have something yourself, than to beg of your sister.

هر زمان داشته باشی خود تو چیزی را
به که از خواهرت آن را تو گدایی بکنی.

Bedre er strax at nægte, end længe at love.
Better to deny at once, than to promise long.

یک جواب رد فوری دادنت
بهتر از هر قول با تأخیری است.

Bedre er svang Hest end tom Grime.
Better a poor horse than an empty stall.

اسبی نحیف بهتر از اصطبل خالی است.

Bedre er tiende Ord end tarvlös Tale.
Speaking silence is better than senseless speech.

یک سکوت پرمعنی به ز حرف بی‌معنی است.

Bedre er tyndt Öl end tom Tönde.
Better weak beer than an empty cask.

آبجو گرچه نه عالی باشد
خوش‌تر از یک خم خالی باشد.

Blomster er Frugtens Fæstepenge.
Flowers are the pledges of fruit.

در باغ شکوفه‌های دلبند
بیعانهٔ میوه‌های باغ‌اند.

Bön er dyrest Kiöb.
What is got by begging is dearly bought.

بس گران است نرخ چیزی که
با گدایی به دست آمده است.

Börn er fattig Mands Rigdom.
Children are the riches of the poor.

بچه‌ها ثروت فقیران‌اند.

Da begynde Svanerne at synge, naar Raagerne tie.
When the rooks are silent the swans begin to sing.

زاغ‌ها وقتی که ساکت می‌شوند
موقع آواز قوها می‌شود.

Deilig er Frugten som Dyden er i Træet.

As the virtue in the tree, such is the fruit.

هر حسن که در درخت باشد
در میوهٔ آن درخت هم هست.

Den der tager en Enke med tre Börn, tager fire Tyve.

He who marries a widow with three children, marries four thieves.

مرد وقتی که ازدواج کند
با زنی بیوه و سه بچهٔ او
عملاً با چهار تا سارق
وصلتی کرده است این یارو.

Den der venter paa död Mands Skoe, kommer længe til at gaae barfodet.

He who waits for dead men's shoes, may have to go long barefoot.

کسی که منتظر کفش مرده‌ها ماند
زمان دور و درازی برهنه‌پا ماند.

Den Ene jager, den Anden æder Haren.

One hunts the hare, and another eats it.

یک نفر خرگوش را می‌گیرد و
فرد دیگر نیز آن را می‌خورد.

Den ene Stodder lider ikke at den anden har to Poser.

One beggar likes not that another has two wallets.

دل یک مرد گدا غمگین است
گر ببیند که گدایی دیگر
روی کولش دو عدد خورجین است.

Den er en Giek sig selv roser, og en Gal sig selv vil laste.

He is a fool that praises himself, and he a madman that speaks ill of himself.

او که خود را می‌ستاید جز مشنگی خنگ نیست
او که خود را می‌نکوهد آدم دیوانه‌ای است.

Den er ilde skikket til Bager, der har et Hoved af Smör.

He is little suited to be a baker, whose head is made of butter.

گر سری از کره دارد یارو
آدم حرفهٔ نانوایی نیست.

Den er ingen nyttig, som ei er sig selv nyttig.
He who is of no use to himself, is of no use to any one.

او که خیرش به خویشتن نرسید
خیر او را کسی نخواهد دید.

Den er ingensteds som allesteds vil være.
He who would be everywhere will be nowhere.

هیچ جایی نبُود آن یارو
که بخواهد همه‌جا باشد او.

Den er Mand, som giör Mands Gierning.
He is a man, who acts like a man.

او که رفتارش چو یک مرد است یک مرد است.

Den er næst Gud som mindst behöver.
He is nearest to God who has the fewest wants.

هر کسی خواسته‌هایش کم‌تر
به خدا اوست که نزدیک‌تر است.

Den er Tingen næst, som har den i Hænder.
He is nearest a thing, who has it in his hands.

کسی نزدیک‌تر باشد به یک چیز
که آن را توی دست خویش دارد.

Den Gaas kiækker ikke mere som Hovedet er af.
The goose that has lost its head no longer cackles.

غاز وقتی سرش رود بر باد
بانگ و فریاد سر نخواهد داد.

Den har svært Löb, som nödes til at löbe.
He runs heavily who is forced to run.

او که با اجبار دارد می‌دود
گام‌هایش کند و سنگین می‌شود.

Den Hund man skal növde til Skovs, beder ikke mange Dyr.
The dog that is forced into the woods will not hunt many deer.

کجا سگی که به جنگل به زور رو آورد
گوزن‌های زیادی شکار خواهد کرد.

Den lade Dreng og den varme Seng kunne ei vel skilles ad.
A lazy boy and a warm bed are difficult to part.

پسری تنبل و لحافی گرم
مشکل از یکدگر جدا گردند.

Den Lade faaer ingen Lön uden Last.
Blame is the lazy man's wages.

سرزنش مزد جناب تنبل است.

Den leer bedst som leer sidst.
He who laughs last, laughs best.

هر کسی آخر سر می‌خندد
به ز افراد دگر می‌خندد.

Den Pung er tom anden Mands Penge ligge udi.
That's but an empty purse which is full of other men's money.

کلهم یک کیف توخالی است آن
پرشده از پول‌های دیگران.

Den skal endnu födes, der kan befalde alle.
He is not yet born who can please everybody.

متولد نشده آن یک مرد
که تواند همه را راضی کرد.

Den som er bidt af en Snog er bange for en Aal.
He who has been bitten by a snake is afraid of an eel.

او که ماری گزیده است او را
مارماهی که دید، می‌ترسد.

Den som Hönen föder, bör at have Ægget.
He who feeds the hen ought to have the egg.

هر کسی می‌دهد به مرغ غذا
می‌تواند گرفت تخمش را.

Den sviges værst, som sviger sig selv.
He is most cheated who cheats himself.

هر آن‌کسی که خودش را فریب می‌دهد او
فریب‌خورده‌ترین آدم جهان باشد.

Der er ingen Ild som jo haver nogen Smög.
There is no fire without smoke.

آتشی نیست که دودی نکند.

Der er ingen Lægedom mod Bagvadskers Bid.
There is no cure against a slanderer's bite.

نیش گاز افترازن هیچ درمانی ندارد.

Der hvor Forstanden slipper, tager Lykken ved.
When wisdom fails, luck helps.

عقل هر جا ناتوان از کار بود
بخت و طالع یاوری خواهد نمود.

Der skal ædes, vare end alle Træer Galger.
People must eat, even were every tree a gallows.

ناگزیرند از غذا خوردن تمام مردمان
گرچه حتی هر درختی چوبهٔ داری شود.

Dersom Skiægget gialdt, kunde Giedebukken præke.
If the beard were all, the goat might preach.

گر به همین ریش بُود اصل کار
موعظه می‌کرد بز ریش‌دار.

Der vil Salt til at drysse Sandhed med, om hun ellers skal ned.
Truth must be seasoned to make it palatable.

باید به حقیقت بزنی چاشنی‌ای
تا مزهٔ آن خوب و گوارا بشود.

Desmere man rörer ved Skarn desværre lugter det.
The more you stir filth the worse it stinks.

یک نجاست را هرآنچه بیش‌تر هم می‌زنی
بوی گند و نکبتش هر دم فزون‌تر می‌شود.

Det bedste Giödsel sidder under Bondens Sko.
The best manure is under the farmer's shoe.

بهترین کود در کشاورزی
زیر کفش خود کشاورز است.

Det den Ædru har i Hiertet, har den Drukne i Munden.

What the sober man has in his heart, the drunken man has on his lips.

آنچه توی دل یک هشیار است
می‌رود روی لبان یک مست.

Det er ei Alt i Mave godt (som) i Mund södt er.

What is sweet in the mouth is not always good in the stomach.

هرچه شیرین باشد او اندر دهان
داخل معده نباشد بی‌زیان.

Det er ei Börneværk naar Kiærling dandser.

It is no child's play when an old woman dances.

چو یک پیرزن گرم قر دادنی است
چنین صحنه‌ای بازی بچه نیست.

Det er en ringe Aarsag, hvorfor Ulven æder Faaret.

It needs but slight provocation to make the wolf devour the lamb.

به یک بهانۀ پوچ و دلیل مختصری
نیاز هست که تا گرگ بره را بدرد.

Det er godt at raade naar Lykken er med.

It is easy to manage when fortune favours.

هر زمان بخت کسی خندان است
کردن هر عملی آسان است.

Det er godt at være kostfri af en andens Pung.

It is easy to be generous out of another man's purse.

خرج اگر از جیب فردی دیگر است
دست‌ودلبازی بسی آسان‌تر است.

Det er haard Kost at æde sine egne Ord.

It is bitter fare to eat one's own words.

خوردن حرف خودت تلخ غذایی باشد.

Det er ikke lang Vei til Vennehuus.

To a friend's house the road is never long.

راه اگر سوی سرای دوستی است
مطلقاً راهی دراز و دور نیست.

Det er ingen liden Skalk der kiender en stor.

He is no small knave who knows a great one.

نابکار کوچکی آن مرد نیست

کو بداند نابکار گنده کیست.

Det er Konst at lee, naar det gaaer een selv ilde.

It is a great art to laugh at your own misfortunes.

خنده بر بخت بد خود هنری معرکه است.

Det er let at byde Fanden til Gjæst, men ondt at faae ham af Huset.

It is easy to bid the devil be your guest, but difficult to get rid of him.

دعوت از ابلیس کاری ساده است

تا که او یک‌چند مهمانت شود

زان‌طرف دک کردن او مشکل است

تا به پای خویش از پیشت رود.

Det er let at krybe i Træ naar det er fældet.

It is easy to stride a tree when it is down.

بر درختی که سرنگون شده است

هر کسی گام می‌نهد سرمست.

Det er ondt at lokke Höge med tomme Hænder.

It is hard to lure hawks with empty hands.

دست وقتی که طعمه در آن نیست

قوش با آن گرفتن آسان نیست.

Det er ondt at plukke Haar af den Skaldede.

It is not easy to pluck hairs from a bald pate.

کندن موی ز یک کلۀ کل آسان نیست.

Det er ondt at skiule det hver Mand veed.

It is difficult to hide what everybody knows.

آنچه آن را همگان می‌دانند

سخت دشوار توان پنهان کرد.

Det er ondt at spytte Honning for den som har Munden fuld af Galde.
It is difficult to spit honey out of a mouth full of gall.

از دهانی که پر از زرداب است
کار سختی است عسل تف بکنی.

Det er ondt Jern, som ikke er Staal udi.
It is bad iron in which there is no steel.

آهنی که توی آن فولاد نیست
آهن بسیار ناجور و بدی است.

Det förste Raad af en Qvinde er det bedste.
A woman's first counsel is the best.

اولین اندرز یک زن بهترین اندرز اوست.

Det hjælper ei at dölge for Ven det Uven veed.
It is no use hiding from a friend what is known to an enemy.

بی‌خود از یک دوست می‌داری نهان
آنچه را یک دشمن آگاه است از آن.

Det kan snart skee, som længe maa angres.
That may be soon done, which brings long repentance.

زود شاید شود انجام آنی
که سرانجام بیارد در پی
یک پشیمانی بس طولانی.

Det kommer vel der skee skal.
That which must be, will be.

آنچه باید بشود خواهد شد.

Det Korn vorder ilde malet, som bæres paa en ond Qværn.
The corn that is taken to a bad mill, will be badly ground.

دانهٔ گندمت بد آرد شود
گر به یک آسیاب بد برود.

Det man adlyster kommer ikke far snart.
A pleasant thing never comes too soon.

هرگز آن چیزی که خوب و دلکش است
ساده و فوری نمی‌آید به دست.

Det man æder af Gryden, faaer man ikke paa Fadet.

That which has been eaten out of the pot cannot be put into the dish.

آنچه از دیگ خورده شد فوری
نتوانی گذاشت در دوری.

Det skal være en haard Vinter, om den ene Ulv æder den anden.

It must be a hard winter when one wolf devours another.

زمستان بدی لابد رسیده
که گرگی گرگ دیگر را دریده.

Det spörger en Blind om, hvorfor den elskes som er smuk.

It is only the blind who ask why they are loved who are fair.

این سؤال مرد نابیناست
کز چه رو محبوب آدم‌هاست
هر کسی سیمای او زیباست.

Det stille Vand har den dybe Grund.

Still water runs deep.

آب راکد عمیق می‌گذرد.

Eed og Æg ere snart brudte.

Eggs and oaths are easily broken.

قسم و تخم‌مرغ معمولاً
هر دو بسیار ساده می‌شکنند.

Een Nar giör flere.

One fool makes many.

یک احمق چه بسیار احمق بسازد.

Een plöier, en Anden saaer, den Tredie veed ei hvo det faaer.

One ploughs, another sows, who will reap no one knows.

یک نفر شخم زند، آن دگری می‌کارد
چه کسی می‌درود؟ هیچ کسی آگه نیست.

Een Skalk skal man fange med en anden.

Set a thief to catch a thief.

دزدی بفرست تا که دزدی گیرد.

Eet Haar efter andet, gjör Bonden skaldet.
Hair by hair, and the head gets bald.

با همین یک مو، فقط یک مو
آخرش کل می‌شود یارو.

Efter söd Klöe kommer suur Svie.
After pleasant scratching comes unpleasant smarting.

بعد خاراندن خوشایندی
سوزشی ضدحال می‌آید.

En andens Hest og egen Svöbe, kan meget taale.
Another man's horse and your own whip can do a great deal.

اسب مردی دیگر و شلاق تو
کارهای باشکوهی می‌کنند.

End vinder folsk Mand förste Leg.
A fool only wins the first game.

کسی که یه هالوی خنگ و خره
فقط بازی اولو می‌بره.

En god Dag skal man rose om Aftenen.
Praise a fair day in the evening.

دم غروب ز یک روز خوش ستایش کن.

Enhver er sin Lykkes Smed.
Every man is the architect of his own fortune.

هرکه معمار سرنوشت خود است.

Enhver mener hans Kobber er Guld.
Every man thinks his copper is gold.

مس هر کسی در نگاهش طلاست.

Enhver Tosse mener, han er klog nok.
Every fool thinks he is clever enough.

هر تهی‌مغز ببو پیش خودش پندارد
خرد و هوش به اندازهٔ کافی دارد.

Enhver vil gjerne over Gierdet hvor det er lavest.

Every one tries to cross the fence where it is lowest.

سعی دارد هر کسی تا رد شود از یک چپر
از همان‌جایی که باشد آن چپر کوتاه‌تر.

En liden Ild at varme sig paa, er bedre end en stor at brænde sig paa.

A small fire that warms you, is better than a large one that burns you.

آتشی کوچک که گرمت می‌کند
از بزرگی که بسوزاند به است.

En Skalk kan vel skiules under en Messesærk.

There's many a knave concealed under a surplice.

یک‌عالمه رذل ناکس گند
در زیر عبای خود نهان‌اند.

Er Fuglen af Haanden er den ond at faae tilbage.

The bird once out of hand is hard to recover.

مرغکی که یک زمان از دست جست
بار دیگر سخت می‌آید به دست.

Ethvert Kar maa staa paa sin egen Bund.

Every tub must stand on its own bottom.

روی کون خویشتن هر تشت باید ایستد.

Et skabet Faar fordærver den hele Hjord.

One scabbed sheep will mar a whole flock.

گوسفندی گر تمام گله را گر می‌کند.

Fagerhed uden Tugt—Rose uden Lugt.

Beauty without virtue is like a rose without scent.

خوشگلی چون‌که ز عفت عاری است
گل سرخی است که در وی بو نیست.

Fagre Ord fryde en Daare, og stundom fuldvis en Mand.

Fair words please the fool, and sometimes the wise.

حرف‌های دلفریب و دلپسند
مایهٔ خرسندی نابخردان
همچنین گاهی خردمندان شوند.

Fattige Frænder faae liden Hæder.
Poor relations have little honour.

برای خویش و فامیل تهیدست
همیشه احترام اندکی هست.

Fattig Mand har faa Kyndinger.
A poor man has few acquaintances.

مرد بی‌پول آشنایانش کم‌اند.

Fattig Mands Hovmod varer stakket.
The pride of the poor does not endure.

تکبر فقرا بی‌دوام خواهد بود.

Fattig Mands Kæde haver mange Ulæde.
A poor man's joy has much alloy.

شادی یک آدم بی‌پول خیلی غل‌وغش دارد.

Flere Folk dræbes af Nadver end af Sværd.
More people are slain by suppers than by the sword.

آنان که شهید شام‌های خویش‌اند
از کشتهٔ شمشیر بسا که بیش‌اند.

Föl bliver ikke altid Faderen liig.
Every foal is not like its sire.

هر کسی آدم شیرین‌عقلی است
مثل بابای خودش نیست که نیست.

Forgieves er at mede uden Krog, at lære uden Bog.
It is vain to fish without a hook, or learn to read without a book.

صید ماهی عملی بیهوده‌ست
هرکجایی که نباشد قلاب
همچنین است سوادآموزی
هرکجایی که در آن نیست کتاب.

For Konst skal man Mesteren ære.
The master derives honour from his art.

استادکار با هنرش فخر می‌خرد.

For meget og for lidt fordærver alting.
Too little and too much spoils everything.

خیلی کم و خیلی زیاد
هر چیز را بر باد داد.

Fred skal man dyrt kjöbe.
Peace must be bought even at a high price.

صلح را باید خریدن بی‌گمان
گرچه حتی با بهایی بس گران.

Frisk vovet er halvt vundet.
A bold attempt is half success.

یک تلاش باشهامت نیمی از پیروزی است.

Fuglen flyver aldrig saa höit, han söger jo sit Föde paa Jorden.
However high a bird may soar, it seeks its food on earth.

یک پرنده هرچه بالاتر رود
روزی‌اش را بر زمین جویا شود.

Fuldt Kar skal man varligen bære.
A full vessel must be carried carefully.

ظرف پر را باید آرام و به دقت حمل کرد.

"Fy dig an, saa sort du er!" sagde Gryden til Leerpotten.
"Fie upon thee, how black thou art!" said the kettle to the saucepan.

«آَه آَه که چه‌سان سیاه هستی.»
کتری به کماجدان چنین گفت.

Fyrm og Faste læger mangen Sot.
Abstinence and fasting cure many a complaint.

خیلی از درد و مرض‌ها را همین
روزه و پرهیز درمان می‌کنند.

Galne Hunde faae revet Skind.
Mad dogs get their coats torn.

کت سگ‌های هار پاره شود.

Gammel Giek er værre end ung Daare.
An old fool is worse than a young simpleton.

پیر خنگی از جوان ساده‌لوحی بدتر است.

Gammel Green bryder naar den skal böies.
The old branch breaks when it is bent.

شاخهٔ پیر اگر خم بشود می‌شکند.

Gammel Mands Sagn er sielden usand.
An old man's sayings are seldom untrue.

ندرتاً گفتهٔ پیری غلط است.

Giem din Mund, og giem din Ven.
Keep your mouth, and keep your friend.

زبانت را نگه داری، رفیقت را نگه داری.

Gien ei af dig det, der ei löber paa dig.
Drive not away what never came near you.

هیچ هنگام نران از بر خود
آنچه هرگز به تو نزدیک نشد.

Giev Mand giör sig ikke til Hund for et Beens Skyld.
An honest man does not make himself a dog for the sake of a bone.

هیچ انسان شریفی در جهان
سگ نخواهد شد به عشق استخوان.

Giort Gierning staaer ikke til at vende.
What is done cannot be undone.

شده را ناشده نشاید کرد.

Giver Gud ei Skiepper fulde, saa giver han Skeer fulde.
If God give not bushelfuls, he gives spoonfuls.

وقتی خداوند صمد
پیمانه پیمانه نداد
قاشق به قاشق می‌دهد.

Glad Aftensang giör ofte sorrigfuld Ottesang.

A joyous evening often leads to a sorrowful morning.

غالباً یک شامگاه شاد را
صبح غمگینی بیاید از قفا.

God Styrmand kiendes ei naar Havet er stille og Veiret til Villie.

A good pilot is not known when the sea is calm and the weather fair.

تا که آرام است دریا و هوا هم باصفاست
کِی مشخص می‌شود کی واقعاً یک ناخداست.

Godt er at hvile paa giort Gierning.

Rest is good after the work is done.

چون به پایان می‌رسانی کار را
استراحت خوب می‌چسبد به ما.

Godt er at sidde ved Styret i stille Veir.

It is easy to sit at the helm in fine weather.

نشستن پشت سکان هست آسان
زمانی که نباشد باد و بوران.

Godt Haandværk har en gylden Grund.

A good handicraft has a golden foundation.

حرفهٔ خوب و مفیدی هرکجاست
پایه و شالودهٔ آن از طلاست.

Gud bedre Faarene naar Ulven er Dommer.

God help the sheep when the wolf is judge.

در آن زمانه که یک گرگ می‌شود قاضی
خدا به داد همه گوسفندها برسد.

Gud giver alle Mad som han giver Mund.

God never sends mouths but he sends meat.

خدا وقتی دهانی را فرستاد
غذایی هم برای آن دهان داد.

Guld bliver vel Guld, om end det ligger i Skalkepung.

Gold is gold, though it be in a rogue's purse.

گرچه در کیسهٔ یک رذل بلاست
شک مدارید طلا باز طلاست.

Guld Nögle lukker alle Döre op uden Himlens.

A golden key opens every door except that of heaven.

یک کلید طلا نماید باز
هر دری را به‌غیر مال بهشت.

Haabe og vente er Giekkerente.

Hope and expectation are a fool's income.

امید و انتظارات زیادی
درآمدهای یک بی‌عقل هستند.

Halvt at rose er halvt at skielde.

Faint praise is akin to abuse.

ستایش شل و ول مثل فحش می‌ماند.

Han ager ikke ilde som veed at vende.

He is not a bad driver who knows how to turn.

درشکه‌ران بدی نیست او که می‌داند
چگونه دور زند چون که اسب می‌راند.

Han banker dristig paa, som bær godt Budskab.

He knocks boldly at the door who brings a welcome message.

او که پیغام خوشی آورده است
محکم و گستاخ بر در می‌زند.

Han drukner ikke, der hænge skal, uden Vandet gaaer over Galgen.

He who was born to be hanged will not be drowned, unless the water go over the gallows.

مرد وقتی متولد شده تا آخر کار
به سر دار رود، غرق نگردد، مگر آن
که رسد آب به بالای سر چوبهٔ دار.

Han er ikke bedre der fjæler, end han der stjæler.
He that hides is no better than he that steals.

نیست آن‌کس که می‌کند جاساز
بهتر از آن‌کسی که می‌دزدد.

Han er ingensteds, som er allesteds.
He who is everywhere, is nowhere.

هیچ جا نیست کسی که همه‌جاست.

Han föler bedst hvor Skoen trykker, som har den paa.
He knows best where the shoe pinches who wears it.

آن‌کسی که کفش را کرده به پاش
خوب داند می‌زند پا را کجاش.

Hæng den unge Tyv, saa stiæler den gamle ikke.
Hang the young thief, and the old one will not steal.

در جوانی دزد را بر دار کش
تا دگر چیزی ندزدد دزد پیر.

Han maae have Skaden, som har sögt den.
He that courts injury will obtain it.

هرکه دنبال زیانی می‌رود می‌گیردش.

Han raader for Sækken, der sidder paa den.
He has command of the sack who is seated on it.

گونی از آن اوست که رویش نشسته است.

Han skal være skiær som en anden vil skielde.
He must be pure who would blame another.

خودش باید که سالم باشد آن مرد
که خواهد دیگری را سرزنش کرد.

Har du sagt hvad du vil, skal du höre hvad du ikke vil.
He that says what he should not, will hear what he would not.

او که گفت آنچه نمی‌بایست گفت
بشنود آنچه نمی‌خواهد شنفت.

Herrebön er Herrebud.
Great men's requests are commands.

تقاضای بزرگان امر باشد.

Herre uden Land, er Fadet uden Viin.
A lord without land, is like a cask without wine.

لرد بی‌املاک مثل خمرهٔ بی‌باده است.

Hest skal gaae til Krybben, ikke Krybben til Hest.
The horse must go to the manger, and not the manger to the horse.

اسب باید سوی آخور برود
نه که آخور برود جانب اسب.

Hielp dig selv da hielper dig Gud.
Help yourself, and God will help you.

به خودت خیز و کمک کن ای مرد
و خدا هم کمکت خواهد کرد.

Hielp er god, saa nær som i Grödfadet.
Help is good everywhere, except in the porridge-bowl.

کمک اندر همه‌جا مطلوب است
به‌جز البته سر کاسهٔ آش.

Hoflevnet er ofte Helvedes Gienvei.
Life at court is often a short cut to hell.

زندگیِ داخل دربارها
راه میانبر طرف دوزخ است.

Hovmod gaaer for Fald.
Pride will have a fall.

سرانجام تکبر یک سقوط است.

Hvad man med Synd faaer, det med Sorg gaaer.
That which comes with sin, goes with sorrow.

آنچه آید با گناهی
می‌رود با درد و آهی.

Hvem der skammer sig ved at spörge, skammer sig ved at lære.

He who is ashamed of asking, is ashamed of learning.

هرکه از پرسش خجالت می‌کشد
او از آموزش خجالت می‌کشد.

Hvem der vil hænge sig, finder nok en Strikke.

He who would hang himself is sure to find a rope.

او که خود را به دار خواهد زد
مطمئناً طناب می‌یابد.

Hver er sin Synd söd og sin Anger led.

Every one finds sin sweet and repentance bitter.

همیشه در مذاق آدمیزاد
گنه شیرین، ولیکن توبه تلخ است.

Hver hörer helst sin egen Lov.

Every man likes his own praise best.

هر کسی تحسین خود را بیش‌تر
دوست دارد از سخن‌های دگر.

Hver Mand sin Lyst.

Every man has his liking.

هر کسی ذوق و پسندی دارد.

Hvermands Ven, hvermands Nar.

Every man's friend is every man's fool.

هرکه شد همدم و یار همگان
می‌شود مسخرهٔ خلق جهان.

Hvo aarle riis, han vorder mangt viis.

He who rises early will gather wisdom.

خرد گرد آورد هر کس که صبح زود برخیزد.

Hvo der ei har Penge i Pungen, maa have gode Ord paa Tungen.

He that has no money in his purse, should have fair words on his lips.

او که در جیب ندارد پولی
باید اندر دهن او باشد
سخن خوب و خوش و مقبولی.

Hvo der ei kan faae Flæsket, faaer at nöies med Kaalen.

He who can't get bacon, must be content with cabbage.

هر کسی بیکن ندارد در بساط

با کلم باید که فعلاً سر کند. (بیکن: نوعی کباب خوک.)

Hvo der ei vil til Helvede, kommer ikke til Hove.

He who would not go to hell, must not go to court.

او نباید ابداً راهی دربار شود

گر نخواهد که پس از مرگ به دوزخ برود.

Hvo der flyer, gjör sig selv sagfældig.

He who flees, proves himself guilty.

همان فردی که دارد می‌گریزد

گواهی می‌دهد مجرم خود اوست.

Hvo der föder en Ulv, han styrker sin Fjende.

He who feeds a wolf, strengthens his enemy.

چون به گرگی غذا دهد یارو

دشمنش را نموده پرنیرو.

Hvo der gaaer i Seng med Hunde, skal staa op med Lopper.

He that lies down with dogs, will get up with fleas.

با سگا هرکی بخوابه، با ککا بیدار می‌شه.

Hvo der haver en hvid Hest og deilig Kone, er sjelden uden Sorg.

He who has a white horse and a fair wife is seldom without trouble.

هر کسی اسب سفید و زن زیبا دارد

دردسر از همه سو بر سر او می‌بارد.

Hvo der jager med Katte, han fanger Muus.

He who hunts with cats will catch mice.

او که با گربه‌ها رود به شکار

موش‌ها را شکار خواهد کرد.

Hvo der omgaaes med Ulv, han lærer at tude.

He who herds with wolves, learns to howl.

همدم گرگ که باشد یارو

زوزه را خوب بیاموزد او.

Hvo der saaer Had, skal höste Anger.
He who sows hatred shall gather rue.

نفرت و کینه چو می‌کارد مرد
آه و افسوس درو خواهد کرد.

Hvo lidet saaer, lidet faaer.
He who sows little, reaps little.

او که کم کاشته کم می‌درود.

Hvo meget spörger, bliver meget viis.
He that inquires much, learns much.

هرکه خیلی می‌نماید پرس‌وجو
بی‌گمان بسیار می‌آموزد او.

Hvor Aadselet er, forsamles Örnene.
Where the carrion is, there the eagles gather.

هرکجا لاشه‌ای آن‌جاست، عقابان جمع‌اند.

Hvor der er Hierterum, er der Huusrum.
When there is room in the heart, there is room in the house.

در دل که جایی باشد، در خانه هم جایی هست.

Hvor Mistanke gaaer ind, gaaer Kjærlighed ud.
When mistrust enters, love departs.

سوءظن وقتی که وارد می‌شود
عاشقی فی‌الفور بیرون می‌رود.

Hvor Vrede blinder, der Sandhed forsvinder.
When anger blinds the eyes, truth disappears.

خشم هر جا دیدگان را کور کرد
واقعیت را ز منظر دور کرد.

Hvo sig blander med Saader, ham æde Sviin.
He who lies down in the mash will be eaten by swine.

هر کسی بر تفاله لم بدهد
خوک او را درسته خواهد خورد.

Hvo som rörer ved Beg, han smitter sig.
He that touches pitch defiles himself.

هر کسی با قیر اگر دارد تماس
می‌کند آلوده، هم تن، هم لباس.

Hvo som Synden saaer skal höste Skam.
He who sows iniquity shall reap shame.

او که تخم شر کاشت
شرم برخواهد داشت.

Hvo som vil röre i Skarn, faaer og lugte det.
If you will stir up the mire, you must bear the smell.

اگر هم می‌زنی گندابه‌ای را
تو مجبوری که با بویش بسازی.

Hund er Hund om han er aldrig saa broget.
A dog is a dog whatever his colour.

سگ، به هر رنگی که باشد، یک سگ است.

Idig Gierning giör duelig Mester.
Diligent work makes a skilful workman.

کاری که مداوم است و پیگیر
صنعتگر ماهری بسازد.

Ild og Halm giör snar Lue.
Fire and straw soon make a flame.

آتش و کاه زود گُر گیرند.

Ild og Vand ere gode Tienere, men onde Herrer.
Fire and water are good servants but bad masters.

آب و آتش نوکران خوبی‌اند
لیکن اربابان نامطلوبی‌اند.

Ild pröver Guld, og Nöd Vennehuld.
Gold is proved in the fire, friendship in need.

زر در آتش آزموده می‌شود
دوستی هم در زمان احتیاج.

Ingen er mere döv end den som ikke vil höre.
None so deaf as those who won’t hear.

هیچ فردی شبیه انسانی
که نخواهد که بشنود کر نیست.

Ingen er saa riig, han har jo sin Grande nödig.
No one is rich enough to do without his neighbour.

هیچ‌کس آن‌قدرها دارا و ثروتمند نیست
تا که بی‌همسایگان خویش بتواند که زیست.

Ingen falder siidt, uden han vil stige höit.
No one falls low unless he attempt to climb high.

هیچ‌کس پایین نمی‌افتد، مگر
وقت بالا رفتنِ هی بیش‌تر.

Ingen kommer i Skaden, uden han selv hielper til.
No one gets into trouble without his own help.

هیچ‌کس بی مدد خویش نیفتد به بلا.

Ingen Veibyrde er bedre at bære end Viisdom.
Wisdom is the least burdensome travelling pack.

عقل کم‌زحمت‌ترین ره‌توشه است.

Intet er saa nyt, at jo för er skeet.
Nothing is so new but it has happened before.

هرقدَر چیزی بدیع و تازه است
اتفاق افتاده است او پیش از این.

Intet Svar er ogsaa Svar.
No answer is also an answer.

جوابی ندادن خودش یک جواب است.

Jo ædlere Blod, jo mindre Hovmod.
The nobler the blood the less the pride.

هرکه با اصل و نسب‌تر، نخوتش اندک‌تر است.

Jo argere Skalk, jo bedre Lykke.
The more knave, the better luck.

هرچه انسان رذل‌تر، خوش‌شانس‌تر.

Jo flere Hyrder, jo værre Vogt.
The more shepherds, the less care.

هرچه چوپان بیش‌تر، تیمار گله کم‌تر است.

Jo flere Kokke, jo værre Spad.
The more cooks, the worse broth.

آشپز هرقدر باشد بیش‌تر
شوربای بدتری خواهند پخت.

Jo kiærere Barn, jo skarpere Riis.
The dearer the child, the sharper must be the rod.

هرچه یک کودک بُود دردانه‌تر
ترکه را باید زنی جانانه‌تر.

Kast ikke Barnet ud med Badet.
Throw not the child out with the bath.

بچه را با آب حمامش نریزی دور.

Kattens Leeg er Musens Död.
What is play to the cat is death to the mouse.

آنچه از بهر گربه‌ای بازی است
بهر موشی هلاک و جانبازی است.

Kiærligheds Væxt vil vandes med Graad, og dyrkes med Umag.
Love's plant must be watered with tears, and tended with care.

گیاه عشق را با اشک باید آبیاری کرد
و با مهر و توجه باید او را پاسداری کرد.

Kloge Höns giör og i Nælder.
Even clever hens sometimes lay their eggs among nettles.

گاهگاهی می‌گذارند ای بسا
مرغ‌های زیرک و باهوش هم
تخم خود را در میان گزنه‌ها.

Koen veed ikke af, hvad hendes Hale duer til, för hun har mistet den.

The cow does not know the value of her tail till she has lost it.

گاو وقتی که دمش دیگر نیست
تازه داند که بهای دم چیست.

Konst og Lære giver Bröd og Ære.

Art and knowledge bring bread and honour.

فن و دانش نان و نامی آورند.

Kragen er ikke des hvidere, at hun tidt toer sig.

A crow is never the whiter for often washing.

هرقدر هم کلاغ کند شست‌وشو، دگر
رنگش از این که هست نگردد سفیدتر.

Krage söger vel sin Mage.

The crow will find its mate.

جفت خود را کلاغ خواهد یافت.

Krukken gaaer saa længe til Kilde, til hun faaer knæk.

The pitcher goes so often to the well that it gets broken at last.

کوزه‌ای سر می‌زند چندان به چاه
تا بیفتد بشکند در بین راه.

Længe at leve er længe at lide.

To live long is to suffer long.

معنی عمر درازی کردن
محنت و رنج درازی باشد.

Lad den blive ved Aaren, som har lært at roe.

Let him stay at the oar who has learnt to row.

بهل گیرد آن مرد پارو به دست
که پاروزنی را بیاموخته‌ست.

Langt fra Öine snart af Sinde.

Out of sight, out of mind.

از یاد رود هرآنچه از دیده رود.

Lediggang er Fandens Hovedpude.
Idleness is the devil's bolster.

تنبلی بالش شیطان باشد.

Legen gaaer bedst med Jævnlige.
It is best to play with equals.

برای هر کسی نیکوتر این است
که با همتای خود بازی نماید.

Leilighed giör Tyve.
Opportunity makes the thief.

فرصت است آنچه دزد می‌سازد.

Let er den Byrde som en anden bær.
Another man's burden is light.

بار یک آدم دیگر سبک است.

Lög og Rög og en ond Qvinde komme god Mands Öine til at rinde.
Onions, smoke, and a shrew, make a good man's eyes water.

پیاز و دود و عیالی سلیطه آنان‌اند
که چشم مرد نکو را به اشک بنشانند.

Loven er ærlig, Holden er besværlig.
To promise is easy, to keep is troublesome.

قول دادن همیشه آسان است
دردسر در اجابت آن است.

Lovkiön og Maler kan snart giöre hvidt til sort.
Lawyers and painters can soon change white to black.

این وکیلان‌اند و نقاشان که زود
هر سپیدی را سیاهش می‌کنند.

Luen er ikke langt fra Rögen.
The flame is not far from the smoke.

شعلهٔ آتش به دور از دود نیست.

Mand kysser ofte den Haand, han gierne saae af at være.

A man often kisses the hand he would like to see cut off.

بسا مردی که دستی را ببوسد

که روز قطع آن را می‌بیوسد.

Mands Ord, Mands Ære.

A man's word is his honour.

حرف مردی شرف آن مرد است.

Man faaer ei Ko af kolös Mand.

You cannot take a cow from a man who has none.

محال است آدمی گاوی درآرد

از آن مردی که او گاوی ندارد.

Man fanger flere Fluer med en Draabe Honning end med en Tönde Ædike.

More flies are caught with a drop of honey than with a barrel of vinegar.

قطره‌ای شهد و عسل بیش‌تر از

بشکه‌ای سرکه مگس می‌گیرد.

Mange Bække smaae, giöre en stor Aa.

Many little rivulets make a great river.

جویباران کوچک بسیار

رودهایی بزرگ می‌سازند.

Mange kysser Barnet for Ammens Skyld.

Many kiss the child for the nurse's sake.

بسا آنان که کودک را به ترفند

به عشق دایهٔ کودک ببوسند.

Mange Sandkorn kommer Skib til at synke.

Many grains of sand will sink a ship.

خیلی زیادِ دانه‌های شن

هر کشتی‌ای را غرق خواهد کرد.

Man hugger ikke Hovedet af fordi det er skurvet.

A head is not to be cut off because it is scabby.

تو سری را به جرم گر بودن

نتوانی جدا کنی از تن.

Man kan tænde et andet Lys af sit uden Skade.
You may light another's candle at your own without loss.

می‌توانی شمع یک فرد دگر
را به شمع خویشتن روشن کنی
بی که بنمایی از این کارت ضرر.

Man skal ei bære Segel i Anden Mands Korn.
Take not your sickle to another man's corn.

داس خود را هیچ هنگامی نبر
در دل محصول یک فرد دگر.

Man skal ei kaste Steen efter den Hund som ligger stille.
Throw no stones at a sleeping dog.

به سوی سگی خفته سنگی نینداز.

Man skal ikke agte Hunden efter Haarene.
Do not judge the dog by his hairs.

دربارهٔ سگ ز موی او حکم نکن.

Man skal Sæd fölge, eller Land flye.
Follow the customs, or fly the country.

یا به رسم و رسوم تمکین کن
یا که از مملکت فراری شو.

Man skal sætte Tæring efter Næring.
Live according to your means.

تو در حد وسع خودت زندگی کن.

Man skal skiemte med sin Lige.
Jest with your equals.

به که با همتای خود شوخی کنی.

Man skal smede Jernet medens det er hedt.
Strike while the iron is hot.

تا که آهن تفته است آن را بکوب.

Man skal Vidien vride medens hun er ung.

Bend the willow while it is young.

بید را در نوجوانی خم بکن.

Man tör ei ved at hænge Klokke paa Giekken, han ringer sig nok selv.

There is no need to fasten a bell to a fool, he is sure to tell his own tale.

بر گردن یک خنگ به زنگوله چه حاجت

او قصهٔ خود را به تو البته بگوید.

Mæt Mave roser Fasten.

A full stomach praises Lent.

معده‌ای پر روزه را تحسین کند.

Medens græsset groer döer Horsemoder.

While the grass is growing the mare dies.

تا زمان رسیدن علف است

مادیان از گرسنگی تلف است.

Med Ondt skal Ondt fordrives.

Evil must be driven out by evil.

بدی را با بدی باید برون راند.

Mellem sige og giöre er en lang Vei.

Between saying and doing there is a great distance.

بین گفتار و عمل فاصلهٔ بسیاری است.

Mistanke er for Venskab Gift.

Distrust is poison to friendship.

بی‌اعتمادی است که سم رفاقت است.

Morgenstund har Guld i Mund.

The morn hour has gold in its mouth.

ساعت صبح طلا در دهن خود دارد.

Munden taler tidt det Halsen maa gielde.

The mouth often utters that which the head must answer for.

غالباً چیزی که می‌گوید زبان

سر بباید تا دهد تاوان آن.

Musen veed meget, men Katten veed mere.
The mouse is knowing, but the cat more knowing.

موش داناست، ولی گربه بُود داناتر.

Naar det regner Vælling, saa har Stodderen ingen Skee.
When it rains porridge the beggar has no spoon.

حلیم از آسمان وقتی ببارد
گدای طفلکی قاشق ندارد.

Naar Enden er godt er alting godt.
All's well that ends well.

آنچه آخرش خوش است
پای تا سرش خوش است.

Naar Glæden er i Stuen, er Sorgen i Forstuen.
When joy is in the parlour, sorrow is in the passage.

گر خوشی توی هال مهمان است
ناخوشی نیز توی دالان است.

Naar Hovedet værker da værke alle Lemmer.
When the head aches all the limbs ache.

سر هر زمان که درد بگیرد، به همرهش
پاها و دست‌ها همگی درد می‌کنند.

Naar jeg har Penge i min Pung, da har jeg Mad i min Mund.
When I have money in my purse, I have food in my mouth.

توی جیبم پول تا دارم
در دهانم هم غذا دارم.

Naar Kat og Muus giör eet, har Bonden tabt.
When cat and mouse agree, the farmer has no chance.

اگر گربه و موش با هم بسازند
کشاورز بیچاره شانسی ندارد.

Naar Krybben er tom rives Hestene.
When the manger is empty the horses fight.

آخور آن وقتی که خالی از غذاست
موقع جنگ و جدال اسب‌هاست.

Naar man seer Ulvens Ören, er han selv ikke langt borte.
When the wolf's ears appear, his body is not far off.

گوش‌های گرگ چون پیدا شوند
هیکل آن گرگ خیلی دور نیست.

Naar Musen er mæt, er Melet bedsk.
When the mouse has had enough the meal is bitter.

موش چون سیر شود، آرد دگر تلخ شده.

Naar Öllet gaaer ind, da gaaer Viddet ud.
When the beer goes in the wits go out.

آبجو وقتی که وارد می‌شود
عقل و هوش فرد بیرون می‌رود.

Naar Ræven prædiker for Gaasen, staaer hendes Hals i vove.
When the fox preaches to the goose her neck is in danger.

غاز را روبه اگر وعظ کند
گردن غاز یقین در خطر است.

Naar Saaret er lægt er Svien glemt.
When the wound is healed the pain is forgotten.

زخم چون خوب شود، درد ز خاطر برود.

Nabos Öie er avindsfuldt.
A neighbour's eye is full of jealousy.

چشم همسایه غرقه در حسد است.

Narren er andre Folk liig saa længe han tier.
A fool is like other men as long as he is silent.

تا دهان خنگ دارد چفت و بست
کاملاً مانند دیگر مردم است.

Nei er et godt Svar naar det kommer i Tide.
No is a good answer when given in time.

پاسخ خوبی است «نه» وقتی بجا داده شود.

Nyt er altid kiært, Gammelt er stundom bedre.
The new is always liked, though the old is often better.

چیز نو همواره خوش در دل نشست
گرچه اغلب کهنه خیلی بهتر است.

Ofte er Ulvesind under Faareskind.
Wolves are often hidden under sheep's clothing.

گرگ‌ها زیر لباس گوسفند
غالب اوقات پنهان می‌شوند.

Onde Urter voxe mest, og forgaae senest.
Ill weeds grow the fastest and last the longest.

علف هرز زودتر روید
بیش‌تر هم دوام می‌آرد.

Ond Gierning har Vidne i Barmen.
An evil deed has a witness in the bosom.

شاهدی در دل هر کار بدی است.

Ond Qvinde er Fandens Dörnagle.
An ill-tempered woman is the devil's door-nail.

هر زن بدعنقی میخ در ابلیس است.

Ond Rod giver ei godt Æble.
A bad tree does not yield good apples.

هیچ هنگامی از درختی بد
سیب خوبی به در نمی‌آید.

Ondt er at sanke Ax efter gierrig Agermand.
It is hard to glean after a niggardly husbandman.

در پس مرد کشاورز بخیل
خوشه‌چینی عملی دشوار است.

Ondt Öie skal intet Godt see.
An evil eye can see no good.

دیدگانی که بد و معیوب‌اند
عاجز از دیدن چیز خوب‌اند.

Opædt Bröd vil nödig betales.
It is hard to pay for bread that has been eaten.

پول نانی را که قبلاً خورده‌ای
دادنش یک کار خیلی مشکل است.

Præstesæk er ond at fylde.
A priest's pocket is hard to fill.

پر کردن کیسهٔ کشیشی سخت است.

Raad efter giort Gierning er som Regn naar Kornet er höstet.
Counsel after action is like rain after harvest.

بعد از انجام عمل اندرز تو
مثل بارانی بُود بعد از درو.

Raad efter Skaden er som Lægedom efter Döden.
Advice after the misfortune is like medicine after death.

پندِ بعد از بدبیاری مثل چیست؟
مثل دارو بعد مرگ آدمی است.

Ræd Mand har tynd Lykke.
A timid man has little chance.

شانس یک مرد مردد اندک است.

Ravnen synes altid at hendes Unger ere de hvideste.
The raven always thinks that her young ones are the whitest.

کلاغ توی دل خود چنین خیالی بست:
یقین سفیدترین جوجه‌ها از آن وی است.

Ravn er fager, naar Raage ei er hos.
The raven is fair when the rook is not by.

زاغ زیباست زمانی که کلاغ
جلوی چشم نباشد در باغ.

Retfærdig bliver aldrig braadrig.
The upright never grow rich in a hurry.

کی یک انسان شریف و پاکدست
با شتابی پولداری گشته است.

Rigdom har Sorg, og Armod har Tryghed.
Riches breed care, poverty is safe.

مال آزار روان می‌باشد
فقر در امن و امان می‌باشد.

Rig Hustru er Trættetynder.
A rich wife is a source of quarrel.

منشأ هر بگومگو زنی است
کو عیالی توانگر و غنی است.

Roes Ganten saa faaer du gavn af ham.
Praise a fool, and you may make him useful.

تحسین بکنید آدم اسکل را
تا چیز مفیدی بشود بهر شما.

Runde Hænder gjöre mange Venner.
Liberal hands make many friends.

دست‌هایی که سخاوتمندند
بس رفیقان که به ما می‌بندند.

Saa er hver hædt som han er klædt.
As a man dresses so is he esteemed.

هر لباسی که مرد می‌پوشد
طبق آن ارج و قرب خواهد داشت.

Sæl er den, der kan see ved anden Mands Skade.
Happy he who can take warning from the mishaps of others.

ای خوش آن مرد که هشیار شد و کرد حذر
زان بلاها که بیامد سر افراد دگر.

Sælg ikke Bælgen för du har fanget Ræven.
Don't sell the skin till you have caught the fox.

نگرفته هنوز روبه را
پوستش را به دیگری نفروش.

Sandhed er en suur Kost.
Truth is bitter food.

حقیقت یک غذای تلخ باشد.

Sandhed skal man lære af Börn og drukne Folk.
Children and drunken men speak the truth.

دو گروهی که راستگو هستند
بچه‌هایند و مردم مست‌اند.

Sandtalende Qvinde har faae Venner.
A truth-telling woman has few friends.

دوستان آن زنی که راستگو باشد کم‌اند.

See Dig vel for, Fraade er ikke Öl.
Beware, froth is not beer.

برحذر باش که کف آبجو نیست.

Selvgiort er velgiort.
What you do yourself is well done.

خوب انجام شود آنچه خود انجام دهی.

Sielden bliver blu Hund fed.
A modest dog seldom grows fat.

ندرتاً یک سگِ با شرم و حیا چاق شود.

Sielden kommer Sorg ene.
Sorrow seldom comes alone.

به ندرت ماتم و درد و بلایی
به تنهایی شود نازل به جایی.

Snart og vel ere sielden sammen.
Quick and well seldom go together.

سریع و خوب به ندرت قرین هم گردند.

Söde Ord fylde kun lidt i Sækken.
Fair words won't fill the sack.

حرف‌های دلفریب و دلپسند
حاش لله گونی‌ای را پر کنند.

Soen er helst i Söle.
The sow prefers the mire.

میل یک خوک به گِل بیش‌تر است.

Sölv og Guld er hver Mand Huld.
Silver and gold are all men's dears.

سیم و زر محبوب کل مردم‌اند.

Som Herren er saa fölge ham Svende.
As the master is, so are his men.

سروری هر جور باشد، نوکرش آن‌جوری است.

Som Manden, saa og hans Tale.
As the man is, so is his speech.

مرد هر جوری که باشد، صحبتش آن‌جوری است.

Som man reder til, saa ligger man.
As you make your bed so you must lie on it.

بسترت را هر مدل می‌گستری
لاجرم باید بدان‌سان نیز هم
روی آن شب را به پایان آوری.

Sqvalder drukner for god Kones Dör.
Slander expires at a good woman's door.

افترا پشت در یک زن خوب
نفس آخر خود را بکشد.

Stakket Lyst har tidt lang anger.
Short pleasure often brings long repentance.

لذتی زودگذر را در پی
یک پشیمانی طولانی هست.

Stærke Mands Spil er kranke Mands Död.
What is play to the strong is death to the weak.

آنچه از بهر اقویا بازی است
ضعفا را هلاک و جانبازی است.

Styr Hest med Bidsel og ond Kone med Kiep.
Govern a horse with a bit, and a shrew with a stick.

رام کن یک اسب را با یک لگام
با چماقی هم زنی پتیاره را.

Tiden bier efter ingen Mand.
Time waits for no man.

زمان برای کسی منتظر نمی‌ماند.

To Hund og kæm Hund, dog er Hund som han förre var.
Wash a dog and comb a dog, he still remains a dog.

سگی را بشوی و بر او شانه زن
ولی باز یک سگ فقط یک سگ است.

Tomme Tönder buldre mest.
Empty barrels give the most sound.

صدای بشکهٔ خالی همیشه بیش‌تر است.

Tomme Vogne buldre meest.
Empty waggons make most noise.

صدای گاری خالی بسی بلندتر است.

Tre ere onde i Huus: Rög, Regn og en ond Qvinde.
Smoke, rain, and a scolding wife, are three bad things in a house.

دود و باران و زنی بدخلق و گند
توی یک خانه سه تا چیز بدند.

Tro ei stille Vand og tiende Mand.
Trust not still water nor a silent man.

به آبی راکد و یک مرد ساکت
نباید هرگز اطمینان نمایید.

Tyv tænker Hvermand stiæler.
A thief thinks every man steals.

دزد در پیش خودش دارد گمان
کارشان دزدی است جمله مردمان.

Uglen mener hendes Börn ere de fagerste.
The owl thinks her children the fairest.

جغد پندارد که بین جوجه‌ها
جوجه‌هایش از همه خوشگل‌ترند.

Uglen priser ei Dagen, eller Ulven ei Hunden.
The owl does not praise the light, nor the wolf the dog.

جغد از نور و گرگ هم از سگ
هیچ موقع ستایشی نکنند.

Var Avind en Feber, var al Verden syg.
If envy were a fever, all the world would be ill.

رشک اگر تب بود، دنیا کلهم بیمار بود.

Var det giort med Skiægget, da vandt Giedebukken.
If a beard were all, the goat would be the winner.

ریش اگر مایهٔ سرافرازی است
بز یقیناً برندهٔ بازی است.

Velgiort skal man aldrig angre.
Never repent a good action.

هرگز از یک عمل نیک پشیمان نشوید.

Venlige Ord og faa ere Qvinders Pryd.
Kind words and few are a woman's ornament.

واژگان مهربان و اندکی
زیور و پیرایه‌های یک زن‌اند.

فهرست کتاب‌های منتشرشدهٔ مهدی احمدی

شعر

دیوان مهدی احمدی، کتاب اول: بوسه‌های یواشکی عسل‌اند (نشر الکترونیک: فروردین ۱۳۹۵)

دیوان مهدی احمدی، کتاب دوم: باده‌های بدنی (نشر الکترونیک: تیر ۱۳۹۵)

دیوان مهدی احمدی، کتاب سوم: پسربچه‌ها بچه خواهند ماند (نشر الکترونیک: بهمن ۱۳۹۶)

دیوان مهدی احمدی، کتاب چهارم: شعرهای اون‌جوری (نشر الکترونیک: اسفند ۱۳۹۷)

داستان

نناقا (نشر الکترونیک: تیر ۱۳۹۶)

ترجمه

ضرب‌المثل‌های طنز انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های طنز اروپایی (نشر الکترونیک: مرداد ۱۳۹۷)

فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلیسی، همراه با گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های اسکاتلندی (نشر الکترونیک: شهریور ۱۳۹۷)

گلچین ضرب‌المثل‌های فرانسوی (نشر الکترونیک: فروردین ۱۳۹۸)

گلچین ضرب‌المثل‌های آلمانی (نشر الکترونیک: دی ۱۴۰۰)

گلچین ضرب‌المثل‌های اسپانیولی و پرتغالی (نشر الکترونیک: آبان ۱۴۰۲)

گلچین ضرب‌المثل‌های ایتالیایی، هلندی و دانمارکی (نشر الکترونیک: آبان ۱۴۰۲)

پژوهش

ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های طنز فارسی دربارهٔ زن، عشق و سکس؛ همراه با معادل‌ها و مشابه‌هایی از زبان‌های دیگر (نشر الکترونیک: دی ۱۴۰۰)

کتاب کودک

تنبل‌خان؛ نویسنده: رودیارد کیپلینگ؛ ترجمه و بازنویسی: مهدی احمدی (نشر الکترونیک: دی ۱۳۹۷)

این کتاب‌ها را می‌توانید از طریق وبلاگ shahbeyt.rozblog.com به طور رایگان دانلود کنید.